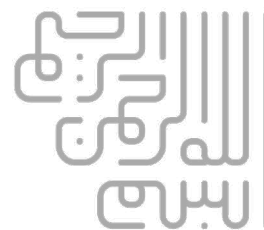


معرفی شاخص‌های جهانی سنجش افکار (۳): شاخص‌های رفاه ذهنی از منظر افکار عمومی





عنوان: معرفی شاخص‌های جهانی سنجش افکار (۳): شاخص‌های رفاه ذهنی از منظر افکار عمومی
تهیه و تدوین (Author): ملیحه سپاسگرشهری
واژه‌های کلیدی: رفاه ذهنی، شاخص، رضایت از زندگی، احساسات مثبت، احساسات منفی، برنامه‌های رفاهی
ناشر: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

DOI: [10.22034/mrc.report.21651](https://doi.org/10.22034/mrc.report.21651)

Publisher: Islamic Parliament Research Center of Iran

عنوان: معرفی شاخص های جهانی سنجش افکار (۳):

شاخص های رفاه ذهنی از منظر افکار عمومی

نوع گزارش: طرح / لایحه ☐، **نظارتی** ☐، **راهبردی** ☒، **پیش نویس قانونی** ☐

نام دفتر: افکارسنجی ملت

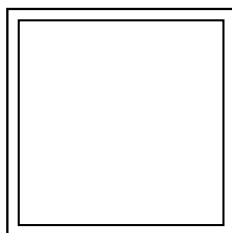
مدیر مطالعه: محمدجواد بادین فکر

ناظر علمی: وحید کشافی نیا، سیدسالار اجتهدنژاد کاشانی، علیرضا خوشگویان فرد

گرافیک و صفحه آرایی: نرجس امیراحمدی

ویراستار ادبی: زهره عطاردی

تاریخ شروع مطالعه: ۱۴۰۳/۱۱/۰۱



فهرست مطالب

چکیده.....	۶
خلاصه مدیریتی.....	۷
۱. مقدمه.....	۱۰
۲. مفهوم بهزیستی ذهنی.....	۱۲
۲-۱. تعریف کلی بهزیستی ذهنی.....	۱۲
۲-۲. مدل های بهزیستی ذهنی.....	۱۵
۲-۲-۱. مدل دایتر.....	۱۵
۲-۲-۲. مدل فیتز پتریک.....	۱۶
۲-۳. جمع بندی مدل ها.....	۱۷
۲-۴. تعریف رفاه ذهنی در کشورهای اروپایی.....	۱۷
۳. مرور شاخص های رفاه ذهنی.....	۲۰
۳-۱. تعریف شاخص.....	۲۰
۳-۲. شاخص سازمان همکاری و توسعه اقتصادی.....	۲۱
۳-۳. شاخص سازمان بهداشت جهانی.....	۲۲
۳-۴. شاخص مؤسسه پژوهشی گالوپ.....	۲۲
۳-۵. شاخص بانک جهانی.....	۲۴
۳-۶. شاخص پروژه زندگی در حال گذار.....	۲۵
۳-۷. شاخص پروژه بودجه خانوار.....	۲۶
۳-۸. شاخص کشورهای اروپایی.....	۲۷
۳-۹. شاخص بهزیستی ذهنی در ایران.....	۳۱
۳-۱۰. جمع بندی شاخص ها.....	۳۳
۴. نتیجه گیری.....	۳۸
۵. پیوست (پرسش نامه ها).....	۴۰
۵-۱. پرسشنامه سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (۲۰۱۱).....	۴۰
۵-۲. پرسشنامه سازمان بهداشت جهانی (۲۰۲۴).....	۴۲
۵-۳. پرسشنامه بانک جهانی با جهت گیری رفاه اقتصادی ذهنی (۱۹۹۹).....	۴۳
۵-۴. پرسشنامه پروژه زندگی در حال گذار (۲۰۱۳).....	۴۳
۵-۵. پرسشنامه پروژه بودجه خانوار (۲۰۲۳).....	۴۴
۵-۶. پرسشنامه مؤسسه گالوپ (۲۰۰۵).....	۴۵
۵-۷. پرسشنامه سام آرام و همکاران (۱۳۹۴).....	۴۸
منابع و مأخذ.....	۵۱

فهرست جدول‌ها

جدول ۱. حوزه مطالعاتی، شاخص‌ها و نهادهای مرتبط در حوزه بهزیستی و نگرش به رفاه.....	۸
جدول ۲. حیطه‌های تعریف بهزیستی ذهنی در روان‌شناسی و جامعه‌شناسی.....	۱۳
جدول ۳. تعریف بهزیستی ذهنی از نظر صاحب‌نظران و سازمان‌های مختلف.....	۱۴
جدول ۴. ابعاد و شاخص‌های بهزیستی ذهنی در سازمان همکاری و توسعه اقتصادی.....	۲۱
جدول ۵. شاخص بهزیستی ذهنی در سازمان بهداشت جهانی.....	۲۲
جدول ۶. شاخص بهزیستی ذهنی در مؤسسه گالوپ.....	۲۲
جدول ۷. بهزیستی ذهنی در مؤسسه گالوپ و شیر کر.....	۲۳
جدول ۸. بهزیستی ذهنی با رویکرد اقتصادی در بانک جهانی.....	۲۴
جدول ۹. بهزیستی ذهنی در پروژه زندگی در حال گذار.....	۲۵
جدول ۱۰. شاخص بهزیستی ذهنی در نظرسنجی بودجه خانوار اتحادیه اروپا.....	۲۶
جدول ۱۱. شاخص رفاه ذهنی در نظرسنجی اجتماعی اروپا.....	۲۸
جدول ۱۲. ابعاد، شاخص‌ها و نشانگرهای بهزیستی ذهنی در پژوهش سام آرام و همکاران.....	۳۲
جدول ۱۳. جمع‌بندی از ابعاد و شاخص‌های رفاه ذهنی.....	۳۳
جدول ۱۴. تکرار و گستردگی ابعاد رفاه ذهنی در سازمان‌ها و پروژه‌های بین‌المللی.....	۳۷

فهرست اشکال

شکل ۱. رابطه میان نگرش‌ها، ارزش‌ها و عوامل نهادی - اجتماعی در نظام‌های رفاه اجتماعی در اروپا.....	۲۹
شکل ۲. چارچوب مفهومی نظام رفاه اجتماعی در اروپا.....	۳۱



معرفی شاخص‌های جهانی سنجش افکار (۳): شاخص‌های رفاه ذهنی از منظر افکار عمومی

چکیده



در این گزارش، ادبیات نظری و شاخص‌های جهانی مرتبط با رفاه ذهنی،^۱ بررسی شده است. برای این منظور، تعاریف نظریه‌پردازان و شاخص‌های پرکاربرد بین‌المللی تحلیل و دسته‌بندی شده‌اند. در این بررسی، دو رویکرد اصلی در سنجش رفاه ذهنی شناسایی شد: رویکرد اروپایی که بر عدالت اجتماعی و خدمات دولتی تأکید دارد و رویکرد آمریکایی که بر رضایت فردی و احساس خوشبختی متمرکز است. همچنین، تفاوت‌هایی میان روش‌های جهانی و ایرانی در سنجش این سازه مشاهده می‌شود؛ به‌طوری‌که در سطح جهانی، شاخص‌ها مختصر، منسجم و منظم‌اند، در حالی‌که در ایران سنجش‌ها اغلب گسترده، مقطعی و فاقد تداوم هستند. براساس بررسی‌ها، سه شاخص «رضایت از زندگی»، «وضعیت عواطف (هیجانات مثبت و منفی)» و «ارزیابی رفاه ذهنی اقتصادی» بیش از سایرین در سازمان‌های بین‌المللی و مراکز تحقیقاتی کاربرد دارند و از ارکان اصلی ابزارهای جهانی؛ مانند نظرسنجی گالوپ^۲ و شاخص زندگی بهتر سازمان توسعه و همکاری اقتصادی^۳ به شمار می‌آیند. با این حال، این شاخص‌ها بر زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی کشورهای غربی استوارند و استفاده مستقیم از آنها در ایران، بدون تعدیل و بومی‌سازی، ممکن است به نتایج ناقص یا نادرست منجر شود.

1. Subjective Welfare

2. Gallup Poll

3. Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)



بیان/شرح مسئله

در معنای عمومی، رفاه^۱ مفهومی است که تمامی جنبه های زندگی انسان را در برمی گیرد. اگرچه شرایط مادی زندگی افراد، مانند ثروت و بهداشت، در سطح رفاه آنها تعیین کننده است، با این حال انسان ها همواره درکی از سطح برخورداری شان از رفاه دارند که بر احساس رضایت آنها از این شرایط مادی اثرگذار است. نتایج تحقیقات مختلف نشان داده است که اندازه گیری رفاه با شاخص های مادی مشخصی مانند درآمد، فقر و در سطح کلان اقتصادی با تولید ناخالص داخلی^۲ لزوماً با احساس واقعی افراد از رفاه همخوانی ندارد. برای مثال یافته های متعدد از دهه ۱۹۶۰ نشان می دهند که تولید ناخالص داخلی به تنهایی معیاری کافی برای سنجش کیفیت زندگی در سطح ملی نیست [۱]. اگرچه شاخص های رفاه مادی می توانند از طریق سازوکارهای مختلف بر احساس رفاه افراد تأثیر بگذارند، اما نمی توانند تمام جنبه های زندگی انسان توسعه یافته را نشان دهند. به همین دلیل، امروزه برای ارزیابی رفاه، به جای تمرکز صرف بر ابعاد اقتصادی، ابعاد اجتماعی، زیست محیطی و سلامت نیز در نظر گرفته می شوند. علاوه بر این، در دهه ۱۹۹۰، محققان روان شناسی و علوم اجتماعی پیشنهاد دادند برای درک دقیق تر رفاه، احساسات و تجربیات واقعی افراد، یعنی رفاه ذهنی نیز مدنظر قرار گیرد. توجه به رفاه ذهنی موجب شده است که ابعاد عاطفی و روانی زندگی افراد نیز در ارزیابی های رفاه جایگاه ویژه ای پیدا کنند و از این طریق تصویری جامع تری از وضعیت رفاهی افراد ارائه شود.

در ادبیات رفاه ذهنی، یکی از اصلی ترین جهت گیری ها که در بیشتر نهادهای بین المللی و مراکز تحقیقاتی مورد بررسی قرار گرفته، ارزیابی وضعیت بهزیستی^۳ جوامع است. این ارزیابی ها عمدتاً متمرکز بر بررسی رضایت از زندگی، تجربیات عاطفی مثبت و برخورداری از رفاه احساسی در کیفیت زندگی فردی هستند؛ به عبارت دیگر، بهزیستی ذهنی به طور مستقیم با احساس رضایت و ارزیابی مثبت زندگی ارتباط دارد.

اندازه گیری بهزیستی ذهنی،^۴ به ویژه در سطح جهانی، نقش مهمی در تصمیم گیری های دولت ها ایفا می کند. این اندازه گیری ها می توانند در طراحی برنامه های آموزشی و اجتماعی برای کیفیت زندگی شهروندان و جوامع راهگشا باشند.

یکی دیگر از مزایای مهم شاخص های بهزیستی ذهنی، امکان مقایسه داده ها بین جوامع مختلف و در دوره های زمانی گوناگون است. این مقایسه ها به شناسایی روندها و تغییرات مهم در رفاه ذهنی منجر شده و همبستگی با روندهای اقتصادی را تقویت یا تضعیف می کنند. به عنوان مثال، مشخص شده است که اعتماد مصرف کنندگان و سرمایه گذاران تأثیرات واقعی بر دوره های رشد یا رکود اقتصاد دارند، بر همین اساس در بیشتر مدل های کلان اقتصادی، انتظارات یا پیش بینی های افراد درباره آینده به عنوان عامل مهمی در پیش بینی نتایج اقتصادی محسوب می شود. علاوه بر این، برداشته ها در مورد رفاه فردی و نابرابری های اجتماعی می توانند به حمایت سیاسی از اصلاحات مالی یا مخالفت با سیاست های ناعادلانه منجر شوند. در شرایط شدیدتر، ممکن است به شورش های اجتماعی یا درگیری های نظام سیاسی با شهروندان معترض بینجامد [۲].

در رویکردی دیگر، رفاه ذهنی معادل تقریبی رفاه اجتماعی^۵ تلقی می شود، در این تعریف شیوه ذهنی و ادراکی مردم نسبت به میزان و شدت برخورداری از رفاه مادی و دریافت خدمات اجتماعی مدنظر قرار می گیرد، همچنین رفاه اجتماعی بیانگر نگرش مردم نسبت به سیاست های دولت در دستیابی به برابری و امنیت اجتماعی - اقتصادی^۶ است.

1. Welfare
2. GDP
3. Well-Being
4. Subjective Well-Being
5. Social Welfare
6. Socioeconomic Equality and Security



به‌این ترتیب، رفاه ذهنی به مجموعه‌ای از دیدگاه‌های شهروندان اشاره دارد، از جمله:

الف) نگرش افراد درباره گستردگی یا ضعف خدمات دولت.

ب) دیدگاه مردم درباره چگونگی تأمین مالی دولت برای ارائه خدمات.

ج) دیدگاه مردم درباره وضعیت مطلوب خدمات رفاهی یا نظرات آنها در مورد تغییرات پیشنهادی.

در مجموع، باتوجه به اینکه مفهوم رفاه ذهنی از یک‌سو با بهزیستی ذهنی پیوند دارد و ازسوی دیگر می‌تواند بیانگر طرز تلقی مردم نسبت به رفاه اجتماعی باشد، در این گزارش گردآوری شاخص‌های دو مفهوم بهزیستی ذهنی و رفاه ذهنی موردتوجه قرار گرفته است.

نقطه‌نظرات / یافته‌های کلیدی

شاخص‌های مختلفی برای سنجش رفاه ذهنی وجود دارد که برخی از آنها بر دولت رفاه و خدمات آن متمرکز هستند، درحالی‌که برخی دیگر به بررسی ابعاد بهزیستی ذهنی و عوامل مؤثر بر آن می‌پردازند. این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که رفاه ذهنی نه تنها تحت تأثیر شرایط اقتصادی و اجتماعی، بلکه به‌ویژه به فرهنگ و ارزش‌های جامعه نیز وابسته است.

شاخص‌ها و سازمان‌های مرتبط با جریان‌های بهزیستی ذهنی و نگرش به دولت رفاه عبارت‌اند از:

الف) شاخص‌های بهزیستی ذهنی شامل رضایت از زندگی با محوریت رضایت از کار، سلامت، خانواده و نداشتن احساسات منفی. سازمان‌ها و نهادهای مهمی به سنجش بهزیستی ذهنی پرداخته‌اند که ازجمله آنها می‌توان به سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، سازمان بهداشت جهانی^۱، مؤسسه پژوهشی گالوپ و بانک جهانی^۲ اشاره کرد، نکته مهم دراین خصوص توجه تلفیقی دو جنبه رفاه مادی و برداشت‌های ذهنی در گزارش‌های بانک جهانی است.

ب) شاخص‌های نگرش به دولت رفاه شامل رضایت از عملکرد دولت رفاه، نگرش به مسئولیت‌های دولت رفاه و دیدگاه‌ها در مورد کیفیت دولت است و مهم‌ترین نهادی که به‌طور ادواری به تهیه این شاخص‌ها می‌پردازد، کمیسیون پژوهشی اتحادیه اروپا^۳ است.

جدول ۱. حوزه مطالعاتی، شاخص‌ها و نهادهای مرتبط در حوزه بهزیستی و نگرش به رفاه

حوزه مطالعاتی	شاخص‌ها	سازمان و نهادهای مهم در این حوزه
بهزیستی ذهنی	رضایت از کار، سلامت، خانواده و نداشتن احساسات منفی	سازمان همکاری و توسعه اقتصادی سازمان بهداشت جهانی مؤسسه پژوهشی گالوپ و بانک جهانی
نگرش به دولت رفاه	رضایت از عملکرد دولت رفاه نگرش به مسئولیت‌های دولت رفاه و دیدگاه‌ها در مورد کیفیت دولت	کمیسیون پژوهشی اتحادیه اروپا

مآخذ: نگارنده.

1. World Health Organization (WHO)
2. World Bank
3. European Research Council

پیشنهاد راهکارهای تقنینی، نظارتی یا سیاسی

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شاخص‌های بین‌المللی سنجش رفاه ذهنی، اغلب بر پایه مفاهیمی شکل گرفته‌اند که با ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و ارزشی کشورهای غربی و اروپایی هم‌خوانی دارند. در نتیجه، استفاده از این شاخص‌ها بدون بازنگری و تعدیل، در فضای اجتماعی ایران با چالش‌های جدی مواجه است و ممکن است نتایج به‌دست‌آمده گمراه‌کننده یا ناقص باشند. از این رو، به جای تکیه بر این شاخص‌ها برای ارزیابی سطح رفاه ذهنی در ایران، می‌توان از آنها به‌عنوان ابزارهایی مقدماتی بهره گرفت که شناخت بهتری از رویکردهای سنجش فراهم می‌کنند و زمینه را برای طراحی شاخص‌های سازگار با شرایط بومی مهیا می‌سازند. در ادامه این مسیر، توجه به ابعاد سیاستی رفاه ذهنی ضروری است. گنجاندن سنجش‌های ذهنی در نظام آماری رسمی کشور، تدوین چارچوب‌های مفهومی بومی، ایجاد نهادهای نظارتی برای پایش مستمر این شاخص‌ها و ترجمه داده‌های ذهنی به سیاست‌های اجرایی، می‌تواند گامی مؤثر در جهت ارتقای کیفیت زندگی و تقویت تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر تجربه زیسته افراد در جامعه ایران باشد.



۱. مقدمه

رفاه ذهنی یکی از ابعاد کلیدی در سنجش کیفیت زندگی به شمار می‌آید که در کنار رفاه عینی،^۱ تصویر کامل‌تری از وضعیت زیستی افراد و جوامع ارائه می‌دهد. این نوع از رفاه، برخلاف شاخص‌های مادی رفاه، ناظر بر احساسات و ارزیابی‌های فرد از زندگی‌اش است. با این حال، رویکردهای علمی به رفاه ذهنی یک‌دست نیستند و در ادبیات پژوهشی، دو جریان تحلیلی متفاوت در این زمینه قابل تمایز است: جریان نخست که بیشتر متأثر از سنت‌های فکری آمریکایی است، رفاه ذهنی را در چارچوب شاخص‌هایی مانند رضایت از زندگی، احساس خوشبختی و بهزیستی ذهنی می‌سنجد. این رویکرد بر احساسات درونی فرد و ارزیابی‌های ذهنی او از خود و زندگی شخصی‌اش تمرکز دارد. در مقابل، جریان دوم که ریشه در سنت‌های اروپایی دارد، بر نگرش‌ها و قضاوت‌های شهروندان نسبت به عملکرد دولت در زمینه‌های رفاهی یا نظام رفاهی^۲ و عدالت اجتماعی تأکید می‌کند. در این رویکرد، رفاه ذهنی بازتابی از رابطه میان فرد و ساختارهای نهادی است و از این رو، سنجش آن نیازمند ابزارهایی است که بتوانند این رابطه را با دقت و حساسیت بیشتری مورد ارزیابی قرار دهند.

تفاوت این دو رویکرد را می‌توان در تفاوت‌های ساختاری، فرهنگی و اجتماعی میان جوامع آمریکایی و اروپایی جست‌وجو کرد. در تجربه زیسته آمریکایی، تمرکز بر رضایت فردی و شاخص‌های روان‌شناختی معیار اصلی رفاه ذهنی محسوب می‌شود، در حالی که در تجربه زیسته اروپایی، رفاه ذهنی در پیوند با ارزیابی خدمات عمومی، اعتماد به نهادها و عدالت توزیعی تعیین و معنا می‌شود.

در همین راستا، توجه به هر دو رویکرد و تلاش برای درک پیچیدگی‌های آنها، برای طراحی ابزارهای دقیق و معتبر در سنجش رفاه ذهنی، به‌ویژه در مطالعات تطبیقی، ضرورتی انکارناپذیر است؛ چرا که این مفاهیم پیچیده به راحتی قابل مشاهده یا سنجش مستقیم نیستند و برای تحلیل علمی آنها به شاخص‌ها و ابزارهایی مناسب، نیاز است. شاخص‌ها در این میان نقش واسطه‌ای ایفا می‌کنند و امکان تبدیل ادراکات ذهنی به سنجه‌های قابل پژوهش را فراهم می‌سازند. فرایند شاخص‌سازی در واقع ترجمه مفاهیم انتزاعی به واحدهای عملیاتی و قابل اندازه‌گیری است. این فرایند شامل شناسایی ابعاد مختلف یک مفهوم و طراحی یا انتخاب معیارهایی است که این ابعاد را اندازه‌گیری می‌کنند. از آنجاکه بسیاری از سازه‌های اجتماعی و روان‌شناختی ماهیت پیچیده و چندبعدی دارند، طراحی شاخص‌های دقیق و جامع می‌تواند چالش‌برانگیز باشد. در این فرایند، توجه به زمینه فرهنگی و اجتماعی جوامع مختلف، ضروری است تا شاخص‌ها بتوانند به‌درستی تجربیات واقعی افراد را بازتاب دهند؛ بنابراین، برای درک دقیق‌تر و علمی‌تر از رفاه ذهنی، طراحی و استفاده از شاخص‌ها و ابزارهای اندازه‌گیری معتبر اهمیت زیادی دارد و به پژوهشگران امکان می‌دهند تا داده‌های ذهنی را در قالب سنجه‌های قابل تحلیل ارائه دهند.

باتوجه به ارتباط نزدیک میان رفاه ذهنی و بهزیستی ذهنی و اینکه رفاه ذهنی می‌تواند نمایانگر دیدگاه‌های افراد در مورد رفاه اجتماعی باشد، این گزارش با مرور تعاریف مختلف از بهزیستی ذهنی آغاز می‌شود و تلاش می‌کند تا تعریفی دقیق و جامع از این مفهوم ارائه دهد.

1. Objective Welfare
2. Welfare System



پس از آن، دیدگاه‌های نظری موجود در این حوزه مورد بررسی قرار می‌گیرند. در ادامه، شاخص‌های مختلف بهزیستی ذهنی در سطح جهانی معرفی شده و پس از آن، مباحث کلیدی در زمینه رفاه اجتماعی بررسی خواهند شد. در نهایت با جمع‌بندی و تلفیق شاخص‌های بهزیستی ذهنی، الگویی برای استفاده خوانندگان در این زمینه فراهم خواهد شد.

۲. مفهوم بهزیستی ذهنی

۲-۱. تعریف کلی بهزیستی ذهنی

یکی از جنبه‌های مهم تعریف هر سازه یا مفهوم علمی، شناخت ابعاد و دامنه مفهومی آن به‌طور روشن و دقیق است. این موضوع به‌ویژه برای مفهومی مانند بهزیستی ذهنی اهمیت بیشتری دارد، زیرا این مفهوم به‌اندازه مفاهیم ملموسی مانند «درآمد» و «مصرف» تعریف واضح و روشنی ندارد و لازم است مفهوم‌سازی و عملیاتی‌سازی آن با دقت بیشتری انجام گیرد تا اندازه‌گیری‌های مبتنی بر آن از اعتبار بیشتری برخوردار باشند.

مفهوم بهزیستی ذهنی ابعادی پیچیده و مرزهای مبهمی دارد که پژوهشگران را در تعریف و سنجش دقیق آن با چالش مواجه می‌سازد. همان‌طور که پیش‌از این یادآوری شد، در برخی روندها، به‌ویژه در حوزه مطالعات آمریکایی، رفاه ذهنی معادل بهزیستی ذهنی در نظر گرفته شده است. این مفهوم در تحقیقات داخلی، به‌عنوان رفاه ذهنی ترجمه شده، هرچند که در اصل منظور بهزیستی ذهنی بوده است.

بهزیستی ذهنی، اصطلاحی رایج در مطالعات مرتبط با بهزیستی است. طبق دیدگاه پژوهشگرانی مانند وود، نیوتن و جردن^۱ سیاست اجتماعی در جامعه مدرن باید از رفاه به سمت بهزیستی حرکت کند. از این‌رو، بهزیستی به‌عنوان تکامل مفهوم رفاه و بحث درباره ابعاد مختلف فقر، مشارکت افراد و نهادها در قرن بیستم مطرح می‌شود [۳].

پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه بهزیستی ذهنی، ابعاد مختلفی از این مفهوم را در جوامع گوناگون بازتاب داده‌اند. این تفاوت‌ها در تعاریف، به طیف گسترده‌ای از سطوح بهزیستی ذهنی منجر شده است؛ به‌طوری‌که رشته‌های علمی مختلف با توجه به رویکردهای خاص خود و اهداف پژوهشی، آن را به شیوه‌ای منحصر به دامنه نظری خود تعریف کرده‌اند؛ بنابراین، بهزیستی ذهنی به‌عنوان مفهومی میان‌رشته‌ای شناخته می‌شود که در روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و اقتصاد به جنبه‌های مختلف تجربه ذهنی انسان پرداخته و تعاریف متفاوتی از آن ارائه شده است.

روان‌شناسان معمولاً بهزیستی ذهنی را به‌عنوان سلامت روان توصیف می‌کنند. به‌عنوان مثال هوپرت^۲ (۲۰۰۸) تعریف رایجی از بهزیستی ذهنی ارائه داده است که آن را ترکیبی از «احساس خوب بودن و عملکرد مؤثر» می‌داند. در دیدگاه روان‌شناسان، مؤلفه‌های بهزیستی ذهنی که به «احساس خوب» مربوط می‌شوند، شامل احساسات مثبت مثل رضایت و شادی هستند، باین‌حال در برخی از دیدگاه‌های نظری این مؤلفه‌ها شامل علاقه، مشارکت و اعتماد به نفس نیز هستند. مؤلفه‌های مرتبط با عملکرد شامل داشتن هدف در زندگی، احساس کنترل، توسعه ظرفیت‌های فردی و روابط اجتماعی رضایت‌بخش هستند. در همین راستا، سازمان جهانی بهداشت (۲۰۰۱) سلامت روانی را به‌عنوان مفهومی توصیف می‌کند که شامل «بهزیستی ذهنی، خودکارآمدی ادراک شده، خودمختاری، شایستگی، وابستگی بین نسلی و خود تحقق بخشی پتانسیل‌های ذهنی و عاطفی فرد» است. کامفیلد و اسکوینگتون^۳ (۲۰۰۸) بیان می‌کنند که این تعریف تقریباً معادل تعریف کیفیت زندگی است که به نظر می‌رسد با مفاهیم رفاه روان‌شناختی و رفاه ذهنی هم‌راستاست.

1. Wood, Newton, and Jordan

2. Huppert

3. Comfield and Skevington

جامعه‌شناسان و اقتصاددانان بهزیستی ذهنی را به‌طور محدودتری تعریف می‌کنند و برخی از جنبه‌هایی که توسط روان‌شناسان در این مفهوم گنجانده شده است، در تعریف آنها لحاظ نمی‌شود. به‌عنوان مثال، در این رویکردها عملکرد فیزیکی و روانی به‌عنوان اجزای بهزیستی ذهنی در نظر گرفته نمی‌شوند، بلکه به‌عنوان شرایط تحقق آن به‌شمار می‌آیند. بااین‌حال، عملکرد (توانایی زندگی) همچنان جزئی از مفهومی وسیع‌تر از کیفیت زندگی به‌حساب می‌آید. جنبه‌های مرتبط با معنای زندگی نیز از تعریف بهزیستی ذهنی در رویکردهای جامعه‌شناسی و اقتصادی مستثنا هستند. وینهوون به تمایزات معنایی این مفهوم در حوزه روان‌شناسی و جامعه‌شناسی اشاره می‌کند، او به مفاهیم فرصت زندگی، نتایج زندگی، ویژگی‌های درونی (ذهنی) و جنبه‌های بیرونی اشاره کرده است و بهزیستی ذهنی را بعد نتایج زندگی تلقی می‌کند [۴].

جدول ۲. حیطه‌های تعریف بهزیستی ذهنی در روان‌شناسی و جامعه‌شناسی [۴]

موارد	جنبه‌های بیرونی	ویژگی‌های درونی
فرصت زندگی	مناسب بودن محیط برای زندگی؛ شامل طبیعت و محیط	توانایی فرد برای زندگی؛ شامل عملکرد ^۳ ، خودمختاری ^۴ و کنترل ^۵
نتایج زندگی	مفید بودن زندگی؛ شامل هدف زندگی ^۶ و کمال اخلاقی	قدردانی از زندگی؛ دیدگاه خوب نسبت به زندگی شامل: بهزیستی ذهنی، شادی، رضایت از زندگی و حوزه‌های آن

به‌علاوه در زمینه بهزیستی ذهنی، اندیشمندانی چون داینر^۸ (۱۹۹۹)، پارک^۹ (۲۰۰۴)، فیتزپتریک^{۱۰} (۲۰۰۸)، راسل^{۱۱} (۲۰۰۸) و زنگ^{۱۲} (۲۰۱۵) به ارائه تعاریف نظری و شاخص‌های آن پرداخته‌اند (جدول ۳).

1. Liveability of Environment
2. Life-ability of Person
3. Functioning
4. Autonomy
5. Control
6. Utility of Life
7. Goal of Life
8. Diener
9. Park
10. Fitzpatrick
11. Rassel
12. Zheng

جدول ۳. تعریف بهزیستی ذهنی از نظر صاحب‌نظران و سازمان‌های مختلف

تعریف	نویسنده (سال اثر)
بهزیستی ذهنی پدیده‌ای کلی است که شامل پاسخ‌های عاطفی فرد، رضایت و قضاوت‌های کلی درباره زندگی است [۵].	داینر (۱۹۹۹)
بهزیستی به معنای ارزیابی‌های شناختی و عاطفی فرد از کلیت زندگی‌اش است. این ارزیابی‌ها شامل واکنش عاطفی فرد به وقایع و رخدادها و نیز قضاوت‌های شناختی نسبت به رضایت و شکوفایی است. بنابراین، بهزیستی ذهنی مفهوم وسیعی است که تجربه میزان بالای عواطف و خلق و خوی خوشایند و میزان پایین عواطف و خلق و خوی منفی و رضایت از زندگی را شامل می‌شود [۵].	داینر (۲۰۰۲)
بهزیستی ذهنی به معنای ارزیابی فرد از کیفیت زندگی است؛ به طوری که فرد احساس و فکر کند زندگی‌اش مطلوب است، صرف نظر از اینکه دیگران آن را چگونه می‌بینند [۶].	داینر (۲۰۰۹)
بهزیستی ذهنی به دریافت‌های شخصی فرد از خود و بینش ذهنی‌اش از تجربه زندگی مرتبط است و به عنوان حالتی پیشرفته از خوشایندی روان شناختی تعریف می‌شود [۷].	راسل (۲۰۰۸)
فیتزپتریک در تعریف خود از رفاه ذهنی از شاخص‌ها و چشم‌اندازهایی مانند شادکامی، احساس امنیت، ترجیحات، نیازها، استحقاق و مقایسه نسبی استفاده می‌کند [۸].	فیتزپتریک (۲۰۰۸)
بهزیستی ذهنی به ارزیابی کلی فرد از کیفیت زندگی مبتنی بر استانداردهای شخصی، اشاره دارد که شامل دو عامل اصلی می‌شود: رضایت از زندگی یا درک فرد از کیفیت زندگی‌اش و تجربه احساسی فرد، شامل احساسات مثبت و منفی [۹].	زنگ (۲۰۱۵)
بهزیستی ذهنی به معنای وضعیت‌های روانی مطلوب است و دربرگیرنده تمام ارزیابی‌هایی است که افراد از زندگی خود می‌کنند، چه ارزیابی‌های مثبت و چه منفی. همچنین واکنش‌های احساسی که افراد به تجربیات خود دارند [۱۰].	سازمان همکاری و توسعه اقتصادی ^۱

همان‌طور که مشاهده می‌شود بهزیستی ذهنی در اکثر تعاریف، به عنوان سازه‌ای ترکیبی متشکل از دو مؤلفه عاطفی و شناختی در نظر گرفته شده است. این دیدگاه به‌ویژه در تعاریف داینر، به عنوان یکی از صاحب‌نظران برجسته در این حوزه قابل مشاهده است. مباحث و نتایج داینر، به عنوان یکی از محققان تأثیرگذار در این حوزه، در بسیاری از تحقیقات مورد استناد قرار گرفته است. با این حال، تعریف فیتزپتریک (۲۰۰۸) از بهزیستی ذهنی تفاوت‌های اساسی با سایر تعاریف دارد. او به شاخص‌هایی مانند شادکامی،^۲ تأمین نیازها، ترجیحات،^۳ استحقاق^۴ و مقایسه نسبی^۵ اشاره می‌کند. این تعریف، به مقایسه اجتماعی و نیازهای فردی در ارزیابی بهزیستی ذهنی توجه بیشتری دارد. در حقیقت، فیتزپتریک بهزیستی ذهنی را فراتر از ارزیابی‌های درونی فرد از زندگی و احساسات مرتبط با آن می‌بیند و نقش مقایسه فرد با دیگران و برآورده شدن نیازهای فردی را در این ارزیابی‌ها مهم می‌شمارد.

1. Organization for Economic Cooperation and Development (OECD)
2. Happiness
3. Preferences
4. Title
5. Relative Comparison

از این رو، در ادامه این بحث، دیدگاه ها و نظریات این دو نظریه پرداز در زمینه بهزیستی ذهنی، به طور جامع تر و دقیق تر بررسی خواهد شد تا تفاوت ها و شباهت های آنها به طور کامل تحلیل و روشن شود.

۲-۲. مدل های بهزیستی ذهنی

۲-۲-۱. مدل داینر

داینر بهزیستی ذهنی را به عنوان ترکیبی از دو مؤلفه عاطفی و شناختی می داند. مؤلفه عاطفی شامل دو وجه عاطفه مثبت و عاطفه منفی است، در حالی که ارزیابی از زندگی را به عنوان مؤلفه شناختی بهزیستی ذهنی معرفی می کند. بهزیستی ذهنی در این مدل دارای دو بُعد مرتبط به هم است، به این معنا که افراد معمولاً تجربیات عاطفی خود (عاطفه مثبت یا منفی) را (الان احساس خوبی دارم) برای ارزیابی میزان رضایت خود از زندگی (زندگی من فوق العاده است) به کار می برند؛ بنابراین، احساسات لحظه ای و ارزیابی کلی از زندگی به طور متقابل با یکدیگر در ارتباط هستند.

علاوه بر این، هر دو مؤلفه بهزیستی ذهنی ویژگی مشترکی دارند که نقاط مرجع آنها درونی و روان شناختی است، یعنی آنها ذهنی هستند و نمی توانند به طور مستقیم توسط افراد بیرونی مشاهده شوند. به همین دلیل، بیشتر مقیاس های اندازه گیری «احساس» یا «ارزیابی زندگی» به طور عمده مبتنی بر خود گزارش دهی و خودارزیابی فرد هستند، در حالی که وضعیت مالی شخص (رفاه مادی) را می توان به طور عینی اندازه گیری کرد و برای ارزیابی آن معیارهای مشخص عینی مانند خط فقر را به کار برد. این تفاوت ها در انواع سوالات نظرسنجی ها و روش های جمع آوری داده ها به وضوح نمایان است [۴]. این ترکیب دو مؤلفه ای بهزیستی تأکید می کند که بهزیستی ذهنی معادل شادی نیست و شادی تنها یکی از مؤلفه های آن محسوب می شود. در این مفهوم، ارزیابی زندگی به عنوان بُعدی کلیدی در نظر گرفته می شود که علاوه بر تجربیات کنونی، ارزیابی های گذشته و انتظارات آینده در آن دخیل هستند. در ادامه، به بررسی و ارائه تعریفی روشن تر از هر یک از عناصر بهزیستی ذهنی، شامل عواطف و ارزیابی زندگی مطابق با دیدگاه داینر پرداخته خواهد شد.

الف. عواطف^۱

عواطف اصطلاحی است که روان شناسان برای توصیف احساسات یک فرد به کار می برند. مقیاس های عاطفه به عنوان اندازه گیری هایی از احساسات خاص یا حالات عاطفی در نظر گرفته می شوند که معمولاً در زمانی خاص ارزیابی می شوند. این مقیاس ها نحوه تجربه افراد از زندگی (نه نحوه به یادآوری آن) را منعکس می کنند. فضای تجربه عاطفی دارای دو بعد متمایز عاطفه مثبت و عاطفه منفی است. عاطفه مثبت شامل احساسات مثبت مانند شادی، سرور، رضایت و عاطفه منفی شامل تجربه حالات عاطفی ناخوشایند مانند غم، خشم، ترس و اضطراب می شود. در حالی که عواطف مثبت معمولاً با یکدیگر همبستگی دارند و می توان آنها را در یک محور اندازه گیری قرارداد، عواطف منفی ممکن است چندوجهی تر باشند و به طور هم زمان تجربه نشوند، به طور مثال، ممکن است در یک لحظه خاص فرد احساس خشم کند، اما ترس یا غم نداشته باشد [۱۱].

ب. ارزیابی زندگی^۲

ارزیابی زندگی شامل بررسی وضعیت کلی زندگی یک فرد یا جنبه های خاص تر آن مانند سلامتی یا شغل و به عبارتی نتیجه قضاوت فرد از زندگی خود است، نه توصیف یک وضعیت احساسی. طبق توضیحات پوات و دینر (۱۹۹۱)، فرایند ارزیابی به این صورت است که فرد یک استاندارد مناسب برای خود تعیین کرده و سپس وضعیت زندگی اش را با آن مقایسه می کند.

1. Affects

2. Life Evaluation



باین حال، در عمل مشخص نیست که آیا این مقایسه همیشه به طور آگاهانه انجام می‌شود یا فرد بیشتر از روشی سریع و ساده برای رسیدن به نتیجه استفاده می‌کند. شواهد نشان می‌دهد رضایت از زندگی ارتباط نزدیکی با قضاوت‌هایی دارد که افراد هنگام انتخاب یک مسیر به جای مسیر دیگر به طور آگاهانه انجام می‌دهند.

مفهومی که از طریق ارزیابی‌های زندگی اندازه‌گیری می‌شود، از جهاتی به تعریف مطلوبیت^۱ در اقتصاد نزدیک است. باین حال، اقتصاددانان معمولاً فرض می‌کنند (حداقل به طور ضمنی) که مطلوبیت به یاد آمده که افراد براساس آن تصمیم‌گیری می‌کنند، معادل مجموع مطلوبیت‌های لحظه‌ای ناشی از تجربیات لحظه‌به‌لحظه است. اما این فرض همیشه درست نیست. ارزیابی‌های زندگی براساس چگونگی یادآوری تجربیات افراد است و ممکن است تفاوت‌های قابل توجهی با لحظات تجربه شده، داشته باشند. به ویژه، آنچه به عنوان قانون اوج - پایان^۲ شناخته می‌شود، بیانگر آن است که ارزیابی هر فرد از یک رویداد عمدتاً براساس شدیدترین احساسی است که در طول رویداد تجربه کرده و آخرین احساسی که در انتهای رویداد تجربه می‌کند، نه براساس میانگین یا مجموع تجربیات احساسی در طول زمان. به همین دلیل است که ارزیابی‌های زندگی گاهی به عنوان سنج‌های «مطلوبیت تصمیم‌گیری»^۳ در مقابل «مطلوبیت تجربه‌شده»^۴ توصیف می‌شوند؛ بنابراین، وقتی از کارایی تصمیم‌گیری یا کارایی تجربه‌شده صحبت می‌شود، منظور این است که ارزیابی‌های زندگی بیشتر بر یادآوری لحظات برجسته و احساسات خاص استوار است، نه براساس احساسات جزئی و لحظه‌ای که در طول رویداد تجربه شده‌اند [۱۱]. با وجود این محدودیت، واقعیت این است که ارزیابی‌های زندگی همان مفهومی را اندازه‌گیری می‌کنند که افراد هنگام تصمیم‌گیری آگاهانه از آن استفاده می‌کنند و با تصویری که در اقتصاد سنتی از مطلوبیت فردی وجود دارد هم‌راستا است. این شباهت باعث شده تا ارزیابی‌های زندگی برای محققان و سیاستگذاران از اهمیت زیادی برخوردار باشند.

مقیاس‌های رایج برای بررسی ارزیابی زندگی معمولاً به زندگی به طور کلی یا مفهومی مشابه با آن اشاره دارند. باین حال، علاوه بر قضاوت‌های کلی درباره زندگی، افراد می‌توانند ارزیابی‌هایی از جنبه‌های خاصی از زندگی مانند سلامت یا شغل، نیز انجام دهند. درواقع، شواهد قابل توجهی وجود دارد که نشان می‌دهد رابطه‌ای قوی بین ارزیابی‌های کلی زندگی و ارزیابی جنبه‌های خاص زندگی وجود دارد. با توجه به رابطه قوی بین ارزیابی کلی از زندگی و جنبه‌های خاص آن، برخی از محققان بر این باورند رضایت کلی از زندگی می‌تواند از ترکیب رضایت‌های مختلف از حوزه‌های گوناگون زندگی به دست آید. باین حال، گروهی دیگر بیان می‌کنند رضایت از زندگی به عنوان یک ارزیابی کلی نمی‌تواند به اجزای تشکیل‌دهنده‌اش تقسیم شود [۱۱].

تمایز بین مؤلفه‌های عاطفی و شناختی بهزیستی ذهنی در برخی از مدل‌های اقتصادی منعکس شده است. برای مثال، دیتون^۵ فرض می‌کند بهره‌وری زندگی از مجموع تجربیات گذشته تشکیل می‌شود. به نظر او بهره‌وری زندگی (که می‌تواند به جزء شناختی بهزیستی ذهنی نزدیک باشد) شامل تجربیات عاطفی نیز می‌شود. این دیدگاه مشابه نظریه بنتام^۶ است که بهزیستی ذهنی را به عنوان مجموع لذت‌ها و عدم درد می‌داند. درحالی که بیشتر اقتصاددانان تمرکز خود را بر مدل‌سازی بهره‌وری طول عمر به عنوان تصمیمی اقتصادی می‌دانند، دیتون به این نکته اشاره می‌کند که این مدل‌ها نمی‌توانند به طور کامل تفاوت‌های بین مؤلفه‌های شناختی و عاطفی را لحاظ کنند [۴].

۲-۲-۲. مدل فیتزپتریک

درحالی که دیدگاه دایمر بر ارزیابی زندگی و عواطف متمرکز است و بهزیستی ذهنی را به عنوان احساس کلی رضایت از زندگی و میزان عواطف مثبت مورد بررسی قرار می‌دهد، فیتزپتریک نگاهی جامع‌تر به موضوع دارد. او علاوه بر رضایت فردی، به عواملی چون برآورده شدن نیازها، تحقق آرزوها و متناسب بودن پاداش با مشارکت افراد توجه می‌کند.

1. Utility
2. Peak-End Rule
3. Decision Utility
4. Experienced Utility
5. Dayton
6. Bentham

فیتزپتریک شاخص های اصلی رفاه را شادکامی، نیازها، تأمین، ترجیحات، استحقاق و مقایسه های نسبی می داند. از نظر فیتزپتریک، شادکامی یا خوشبختی حالتی است که فرد به طور کل خود را شاد و راضی می بیند، احتمالاً به این دلیل که آرزوهایش تحقق یافته است و در مواجهه با ناکامی ها و شکست های گاه و بیگاه، از نظر روحی سرخورده و غمگین نمی شود. در نگاه او تأمین، به معنای داشتن امنیت شغلی، درآمد و مسکن است و بین انواع نیازها: نیازهای اساسی، نیازهای غیراساسی و ترجیحات تمایز قائل می شود. در این دیدگاه، برآورده شدن نیازها به عنوان مظهر رفاه یاد می شود و برآورده سازی نیازهای اساسی به عنوان دستیابی حداقلی به رفاه قلمداد می شود و رسیدن به نیازهای غیراساسی مانند تحقق آرزوها و یا حتی ترجیحات، احساس رفاه بیشتری به همراه دارد. موضوع دیگر مورد نظر فیتزپتریک، استحقاق به معنای تناسب میان پاداش دریافتی فرد و میزان مشارکت اوست. فردی که به تناسب مشارکت های پاداش دریافت نکند، احساس رفاه ندارد. در نهایت، او رفاه را واجد جنبه ای مقایسه گرانه می بیند. از نظر او افراد در طول زندگی خود را با دو گروه مقایسه می کنند: کسانی که می شناسند و کسانی که نمی شناسند. به علاوه حتی سطح رفاه فرد ممکن است با مرفه شدن افرادی که دوست دارند و نامرغه شدن افرادی که دوست ندارند، دچار تغییرات شود [۸].

۳-۲. جمع بندی مدل ها

مفهوم بهزیستی ذهنی پیچیده و چندبعدی است و تعاریف آن در حوزه های مختلف متفاوت است. این مفهوم معمولاً شامل دو بعد احساسی و شناختی است، مانند احساسات مثبت (مثل شادی و سرور) و رضایت از زندگی (ارزیابی کلی فرد از زندگی خود). روان شناسان معمولاً بر این ابعاد تمرکز دارند، درحالی که جامعه شناسان و اقتصاددانان بیشتر بر عواملی مانند فرصت ها و نتایج زندگی تأکید دارند.

اندیشمندان برجسته ای مانند داینر و فیتزپتریک دیدگاه های متفاوتی درباره بهزیستی ذهنی دارند. مدل داینر به رابطه بین تجربیات عاطفی و ارزیابی زندگی می پردازد و بهزیستی ذهنی را ترکیبی از احساسات مثبت و منفی و رضایت از زندگی می داند. ازسوی دیگر، فیتزپتریک دیدگاه جامع تری نسبت به بهزیستی ذهنی دارد که فراتر از احساسات درونی فردی است و شامل مقایسه های اجتماعی، نیازها و عدالت می شود؛ بنابراین، بهزیستی ذهنی از نظر او به ارتباط فرد با محیط اجتماعی و اقتصادی نیز بستگی دارد. یکی از مزایای مدل فیتزپتریک در مطالعه بهزیستی ذهنی، توجه به متغیرهای مرتبط با آینده مانند آرزوها و ترجیحات فرد است. در این مدل، بهزیستی ذهنی تنها به ارزیابی های لحظه ای از وضعیت فعلی زندگی محدود نمی شود، بلکه به این نکته نیز توجه دارد که افراد چگونه آینده خود را می بینند و چقدر با انتظارات و آرزوهای خود هماهنگ هستند. این بعد آینده نگرانه مدل فیتزپتریک این امکان را فراهم می آورد که بهزیستی ذهنی به طور جامع تری تحلیل شود، به ویژه با در نظر گرفتن تأثیر انتظارات و اهداف بلندمدت فرد بر ارزیابی کلی او از زندگی. این ویژگی باعث می شود که بهزیستی ذهنی در این مدل نه تنها بر تجربیات کنونی بلکه بر برنامه ها، امیدها و آرزوهای آینده نیز تمرکز داشته باشد که می تواند ارزیابی دقیق تری از وضعیت رفاهی فرد ارائه دهد.

۴-۲. تعریف رفاه ذهنی در کشورهای اروپایی

همان طور که پیش تر اشاره شد، رفاه ذهنی در کشورهای اروپایی به نگرش ها و دیدگاه های شهروندان نسبت به خدمات دولتی اشاره دارد. تحقیقات در این حوزه عمدتاً از دهه ۱۹۷۰ به بعد آغاز شده است، یعنی پس از جنگ جهانی دوم در اروپا، زمانی که دولت های مدرن و سیاست های مردم سالار به تدریج شکل گرفتند.

دلایل متعددی برای تأخیر در مطالعات گسترده در زمینه بررسی رفاه ذهنی وجود دارد چرا که اولین مطالعه جامع در این حوزه توسط کافلین در سال ۱۹۸۰ انجام شده است. یکی از مهم ترین دلایل این تأخیر این است که تا دهه ۱۹۷۰ میلادی نگرانی های چندانی در مورد نظام حکمرانی و خدمات دولتی وجود نداشت، اما به تدریج و با تغییرات متعدد، بسترهای این نگرانی ها شکل گرفت. ازجمله این تغییرات می توان به افزایش هزینه های دولت ها اشاره کرد که منجر به کسری بودجه و مشکلات در حفظ دولت های رفاهی شد. دلیل مهم دیگر تغییرات در بافت سنی جمعیت و مهاجرت ها به کشورهای اروپایی است که موجب بروز تقاضاهای جدید از دولت ها شد. تمامی این تحولات منجر به ایجاد ناهمخوانی میان نظام اجتماعی - سیاسی دولت و شهروندان آن شد.



دولت رفاه را می‌توان یکی از ویژگی‌های شاخص مدل اجتماعی اروپا در نظر گرفت. در این مدل، مجموعه‌ای گسترده از بازیگران اجتماعی و نهادی از طریق حمایت‌های اقتصادی در دوران بحران‌ها و تضمین دسترسی به مراقبت‌ها و خدمات، سعی دارند از پیامدهای منفی خطرات متداول در زندگی افراد جلوگیری کنند. با این حال، کشورهای رفاهی اروپایی در سال‌های اخیر به دلیل فشارهای جمعیتی، اقتصادی و سیاسی دچار تغییرات و بازسازی‌های عمده‌ای شده‌اند. خطرات جدیدی پدید آمده‌اند که با بازارهای کار ناپایدار و تغییر در وضعیت‌های خانوادگی مرتبط هستند، و به همین دلیل دولت رفاه در این کشورها به شیوه‌های مختلفی خود را نشان می‌دهد. علاوه بر این نگرانی‌های فزاینده‌ای درباره پایداری جمعیتی و تأثیر فزاینده و تدریجی استانداردها و مقررات اتحادیه اروپا در سیاست‌های رفاهی، به چالش‌های مشترک در سطح قاره اروپا تبدیل شده‌اند.

در اروپا، رفاه ذهنی بیشتر به نگرش‌های مرتبط با کارایی و ارائه خدمات دولت، از جمله انواع بیمه‌ها، اشاره دارد. از آنجاکه شرایط زیست سیاسی در اروپا همواره تحت تأثیر تضادهای میان دولت‌های هم‌جوار قرار دارد، نقش دولت در برقراری ثبات در این جوامع اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. از سوی دیگر، شرایط تاریخی و اجتماعی اروپا با تغییرات اقتصادی و سیاسی مداوم و ناپایداری همراه بوده است. این وضعیت باعث شده نگرش‌ها و دیدگاه‌های مردم نسبت به دولت‌های اروپایی و خدمات رفاهی آنها اهمیت بیشتری یابد. به همین دلیل، تغییرات در نگرش عمومی می‌تواند تأثیر زیادی بر سیاستگذاری‌ها و ساختارهای دولتی داشته باشد. از آنجاکه هزینه‌های خدمات رفاهی بر دوش مردم است و در نهایت خود آنها این خدمات را تأمین مالی می‌کنند، دیدگاه‌های عمومی درباره گسترش و نحوه ارائه رفاه برای مشروعیت دولت‌های معاصر اروپایی اهمیت زیادی دارد.

این تغییرات نگرشی در سطح گسترده‌ای در کشورهای مختلف اروپا مشاهده می‌شود. مطالعه‌ای که در سال ۲۰۰۸ با استفاده از داده‌های ۲۲ کشور اروپایی انجام شده، هفت بعد مختلف از نگرش‌ها نسبت به کشورهای رفاهی را شناسایی کرده است. این مطالعه نشان می‌دهد که این ابعاد در کشورهای مختلف به شیوه‌های متفاوتی با یکدیگر در ارتباط هستند. به عنوان مثال، در کشورهای اروپای شرقی و جنوبی، مردم به اهداف و نقش دولت نگاه مثبت دارند، اما در ارزیابی کارایی و نتایج آن، دیدگاه انتقادی‌تری دارند. در کشورهای اروپای غربی و شمالی، نگرش‌ها نسبت به کشورهای رفاهی بیشتر تحت تأثیر یک موضع کلی مثبت یا منفی نسبت به سیستم رفاهی قرار دارد [۱۲].

ارزیابی جنبه‌های مختلف وضعیت رفاهی در کشورهای اروپایی نشان می‌دهد که ذهنیت مردم نسبت به برخی از جنبه‌های رفاهی، مثبت‌تر از دیگر جنبه‌ها ارزیابی می‌شود. به عنوان مثال، اگرچه اغلب مردم در اروپا از مشارکت گسترده دولت حمایت می‌کنند، اما در عین حال از میزان بوروکراسی و کمبود کارایی ادراک شده در نظام‌های رفاهی این کشورها انتقاد می‌کنند؛ بنابراین، بسیاری از پژوهشگران پیشنهاد کرده‌اند که رفاه باید به عنوان پدیده‌ای چندبعدی ارزیابی شود و ذهنیت و نگرش‌های رفاهی نیز باید متناسب با این چندبعدی بودن اندازه‌گیری شوند [۲۳].

در کانون ذهنیت رفاهی، مسئله مهم توزیع عدالت^۱ قرار دارد. ادبیات بنیادی عدالت بر پایه دو اصل تاریخی شکل گرفته است: ایده کانت مبنی بر اینکه افراد برابرند و حق برخورداری از کالاهای دنیوی به طور برابر دارند. این ایده فلسفی اساساً به دموکراتیزه شدن جوامع و سرنگونی سیستم طبقاتی قدیمی منجر شد [۱۲].

در فرایند صنعتی شدن جوامع اروپایی، نقش بازار اهمیت بیشتری یافت و در نتیجه، نیاز به تأمین اجتماعی برای شهروندان برجسته‌تر شد.

این دو اصل باعث تحولات تاریخی مهمی شدند که مسئله توزیع مجدد منابع (مانند پول یا امکانات) را به همراه داشت. از این رو، مسئله توزیع عادلانه منابع به عنوان تعریف عدالت مطرح شد و به یکی از مسائل مهم و رو به گسترش در جوامع مدرن تبدیل گردید که نیاز به حل فوری داشت. بر این اساس، اهداف اصلی کشورهای اروپایی در تحولات تاریخی ترویج عدالت اجتماعی به منظور کاهش نابرابری‌های ناعادلانه و ارائه حمایت در برابر مشکلات ناشی از سختی‌های بازار از طریق ایجاد سیستم‌های تأمین اجتماعی بود.

1. The Distributional Justice

ازسوی دیگر، به تدریج در کشورهای موردنظر، توزیع مجدد تنها محدود به توزیع منابع و کالاها نبوده، بلکه به تخصیص مجدد فرصت های زندگی نیز مربوط می شود. به عبارت دیگر، رفاه ذهنی در این کشورها به دنبال ایجاد فرصت هایی برای موفقیت و دستیابی به وضعیت اجتماعی - اقتصادی بهتر است. درواقع، کشورهای اروپایی با تنظیم مجدد درآمدها، ریسک ها و خدمات، شانس های زندگی افراد را تحت تأثیر قرار می دهند تا عدالت اجتماعی بیشتری برقرار کنند. به این ترتیب معنای عدالت توزیعی به انصاف^۱ نزدیک می شود. در همین راستا روسما، برای مشروعیت کشورهایی که به دنبال رفاه عینی و ذهنی هستند، سه شرط را معرفی کرده است:

عدالت ذاتی:^۲ در این جنبه، مردم باید باور داشته باشند که اهداف و محتوای برنامه های رفاهی منصفانه و عادلانه است و سیاستمداران باید تصمیمات خود را براساس این اصول توجیه کنند. این شرط مشخص می کند که دولت چه اقداماتی باید برای تحقق عدالت اجتماعی انجام دهد. **بازتوزیع عادلانه:**^۳ فرایند توزیع منابع و مسئولیت ها باید به طور عادلانه انجام شود. مردم باید باور داشته باشند که همه شهروندان در این برنامه ها مشارکت می کنند و مسئولیت ها و هزینه ها به طور منصفانه تقسیم می شود. هر فرد باید سهم عادلانه ای از مسئولیت ها و هزینه ها در برنامه های رفاهی داشته باشد. یعنی همه باید به طور برابر در این برنامه ها مشارکت کنند و فشارهای مالی و اجتماعی به طور عادلانه تقسیم شود.

عدالت فرایندی:^۴ مردم باید باور داشته باشند که اجرای برنامه ها با اهداف آنها هم راستا بوده و به طور مؤثر و کارآمد صورت می گیرد. این شرط به نحوه اجرای برنامه ها و اطمینان از جلوگیری از تقلب اشاره دارد.

در مجموع، روستین می گوید که مشروعیت کشورها نه تنها به خاطر اهداف آنها، بلکه به خاطر چگونگی اجرای آنها و عدالت در فرایندهای مختلف است. او با استفاده از این سه شرط به مشروعیت هر دولت براساس دو مسئله اساسی می نگرد: رفاه به معنای «آنچه باید باشد» و «آنچه می تواند باشد».

به علاوه در چند دهه اخیر، چارچوب های هنجاری جدیدی برای نقش دولت شکل گرفته است که در آنها سیاست های رفاهی بر فعال سازی افراد برای ورود به بازار کار یا سایر اشکال مشارکت اجتماعی تأکید دارند. براساس این روند، رفاه به کار^۵ تبدیل شده است. این جریان جدید گاهی به عنوان دولت توانمندساز شناخته می شود که هدف اصلی آن، ادغام افراد در جامعه از طریق مشارکت است، به جای این که اجازه دهد آنها کاملاً به کمک های اجتماعی وابسته شوند.

این هدف اهمیت توزیع فرصت های شغلی را نشان می دهد. درنهایت، می توان سه هدف اصلی برای دولت رفاهی تعریف کرد:

* فراهم کردن تأمین اجتماعی،

* ایجاد برابری (چه در فرصت ها و چه در نتایج)،

* ترویج شمول اجتماعی از طریق مشارکت [۱۲].

در مجموع، تحلیل رفاه ذهنی در اروپا بیشتر بر این متمرکز است که مردم چگونه سیاست های دولتی و سیستم های رفاهی را درک و ارزیابی می کنند و تأثیر این سیاست ها بر زندگی جمعی و عدالت اجتماعی چیست. این تحلیل ها عمدتاً به نگرش ها و احساسات مردم نسبت به دولت و خدمات رفاهی توجه دارند و بررسی می کنند که چگونه عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می توانند نگرش های عمومی را تحت تأثیر قرار دهند. برای مثال، نگرش مردم در اروپا به سیاست های رفاهی ممکن است تحت تأثیر عواملی مانند توزیع منابع، کارایی دولت ها، عدالت اجتماعی و مشارکت افراد قرار گیرد. همچنین، تغییرات جمعیتی و اقتصادی، همچون بحران های مالی یا فشارهای اجتماعی، می تواند تأثیر چشمگیری بر نحوه تعامل مردم با دولت و سیستم رفاهی بگذارد.

بنابراین، تحلیل های مربوط به دولت رفاه و تحولات اجتماعی - اقتصادی، نه تنها به درک بهتر تأثیر سیاست ها بر رفاه عمومی کمک می کند، بلکه بر نحوه شکل گیری نگرش های مردم نسبت به این سیاست ها نیز تأثیرگذار است. این نوع تحلیل برای فهم روابط پیچیده میان سیاست های رفاهی و ذهنیت اجتماعی، امری ضروری است.

1. Fairness
2. Substantive Justice
3. The Redistribution Process
4. Procedural Justice
5. Welfare to Workfare



۳. مرور شاخص‌های رفاه ذهنی

در این بخش شاخص‌های معتبر رفاه ذهنی معرفی می‌شوند. برخی از این شاخص‌ها در مقیاس‌های وسیع و در کشورهای متعدد استفاده و اجرا شده‌اند و برخی از آنها در محدوده‌ای کوچک‌تر به کار رفته‌اند. در ایران نیز موضوع رفاه ذهنی در تحقیقات پراکنده و به صورت غیرمنسجم بررسی شده است. ارائه این شاخص‌ها به صورت یک مجموعه منسجم و در کنار هم علاوه بر اینکه چارچوب مرجعی برای پژوهشگران جهت درک ابعاد رفاه ذهنی فراهم می‌کند، باعث ایجاد بانکی از متغیرها و نشانگرها می‌شود تا پژوهشگر بتواند متناسب با جامعه موردنظر خود شاخصی بومی و استاندارد طراحی کند. پیش از معرفی شاخص‌ها لازم است کمی با مفهوم شاخص آشنا شویم.

۳-۱. تعریف شاخص

در تحقیقات علوم انسانی و به ویژه اجتماعی شاخص‌ها ابزارهای ضروری برای سنجش مفاهیم پیچیده و انتزاعی هستند. این ابزارها به محققان کمک می‌کنند تا مفاهیمی که به راحتی قابل اندازه‌گیری نیستند را به صورت کمی و عینی مورد ارزیابی قرار دهند. بدون استفاده از شاخص‌ها، محققان ممکن است قادر به اندازه‌گیری دقیق ویژگی‌ها و رفتارهای انسانی نباشند و این امر می‌تواند بر دقت و اعتبار نتایج پژوهش‌ها تأثیر منفی بگذارد.

شاخص مفاهیم انتزاعی، کیفی و کلی را به گونه‌ای عملیاتی می‌کند که به طور عینی و ملموس قابل اندازه‌گیری باشند. به عبارت دیگر، شاخص روشی است برای محاسبه نمره‌ای از مجموعه‌ای سؤالات و اظهارنظرها که نشان‌دهنده یک باور، احساس یا نگرش خاص است. شاخص به خودی خود وجود ندارد، بلکه ابزاری است برای سنجش که باید به طور دقیق طراحی و تعریف شود تا بتوان از آن برای اندازه‌گیری مفاهیم پیچیده و انتزاعی استفاده کرد [۱۳]. هر شاخص از ترکیب مجموعه‌ای از نشانگرها^۱ به وجود می‌آید که هر کدام یک بعد یا جنبه خاص از مفهوم یا متغیر مورد نظر را اندازه‌گیری می‌کنند. به عبارت دیگر، برای ساخت یک شاخص، نیاز است که چندین نشانگر مختلف را به کار بگیریم و با ترکیب این ابعاد، شاخص نهایی شکل می‌گیرد. به عنوان مثال ارزیابی زندگی مفهومی انتزاعی است که برای سنجش آن، ابتدا باید این مفهوم را به ابعاد مختلف تعریف کرد. این ابعاد می‌تواند شامل مواردی مانند ارزیابی وضعیت مالی، وضعیت سلامتی، وضعیت شغلی و روابط اجتماعی باشد. برای هر بعد، سؤالاتی طراحی می‌شود و پاسخ‌ها به صورت جداگانه نمره‌دهی می‌شوند. سپس نمرات جمع‌آوری شده از هر بعد به عنوان شاخص کلی برای سنجش ارزیابی فرد از زندگی استفاده می‌شود. این شاخص می‌تواند به عنوان ابزاری برای ارزیابی زندگی در جوامع مختلف و ارائه اطلاعات برای تصمیم‌گیری‌های مدیریتی و سیاستگذاری‌ها به کار رود. در ادامه به معرفی شاخص‌های مختلف برای سنجش بهزیستی ذهنی و رفاه ذهنی پرداخته می‌شود. این شاخص‌ها عمدتاً در سطح بین‌المللی و به طور دوره‌ای مورد استفاده قرار گرفته‌اند، در حالی که در داخل کشور، برنامه‌ریزی منظم و دوره‌ای برای بررسی این مفاهیم و سازه‌های علمی وجود ندارد. از این رو، در ایران در این زمینه کمبود منابع و پژوهش‌های مرتبط مشاهده می‌شود.

۲-۳. شاخص سازمان همکاری و توسعه اقتصادی

این سازمان برای اندازه گیری بهزیستی ذهنی از سه بعد رضایت از زندگی، عواطف و سعادت^۱ استفاده می کند. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی از سال ۲۰۱۱ به طور سالیانه وضعیت بهزیستی ذهنی را در ۳۸ کشور عضو خود از طریق نظرسنجی ملی بررسی می کند. سنجش وضعیت بهزیستی ذهنی بخشی از پروژه زندگی بهتر^۲ است. این پروژه به عنوان یک ابتکار پیشگامانه از سال ۲۰۱۱ آغاز شده است و هدف آن اندازه گیری پیشرفت جامعه در یازده حوزه رفاهی است که از آن جمله می توان به اشتغال، سلامت، مسکن، مشارکت مدنی و محیط زیست اشاره کرد. در مورد شاخص رضایت از زندگی، از سؤالات مشابه در تمامی کشورها استفاده می شود، اما سؤالات مربوط به دو شاخص دیگر در کشورهای تحت پوشش لزوماً یکسان نیستند.

جدول ۴. ابعاد و شاخص های بهزیستی ذهنی در سازمان همکاری و توسعه اقتصادی [۱۱]

ابعاد	شاخص
رضایت از زندگی	رضایت از درآمد رضایت از شغل رضایت از وضعیت سلامت
عواطف (احساسات)	شادی نگرانی خشم
سعادت	زندگی هدفمند و معنادار ^۳ خودمختاری ^۴ : توانایی تصمیم گیری مستقل و کنترل زندگی خود لیاقت و شایستگی

1. Eudaimonia
2. Better Life Project
3. Meaning and Purpose
4. Autonomy



۳-۳. شاخص سازمان بهداشت جهانی

این سازمان برای سنجش بهزیستی ذهنی از شاخصی پنج سؤالی استفاده می‌کند. در مجموع، پنج سؤال ممکن است به‌عنوان یک ابزار ابتدایی مفید باشند، اما برای دریافت تصویری دقیق‌تر از بهزیستی ذهنی افراد، استفاده از روش‌ها و مقیاس‌های جامع‌تر ضروری است.

جدول ۵. شاخص بهزیستی ذهنی در سازمان بهداشت جهانی [۱۴]

لطفاً برای هر یک از پنج سؤال زیر مشخص کنید که کدام یک به وضعیت شما در دو هفته گذشته نزدیک‌تر است؟ توجه داشته باشید که اعداد بالاتر به معنای وضعیت بهزیستی بهتر است. به عنوان مثال اگر در طول دو هفته گذشته در بیش از نیمی از اوقات احساس نشاط کرده و روحیه خوبی داشته‌اید، شماره سه را انتخاب کنید (لازم به یادآوری است طیف پاسخ‌دهی به صورت همیشه (۵)، اکثر اوقات (۴)، بیش از نیمی از زمان‌ها (۳)، کمتر از نیمی از زمان‌ها (۲)، بعضی اوقات (۱) و اصلاً (۰) است).

احساس شادابی و سرزندگی داشته‌ام.

احساس آرامش و راحتی داشته‌ام.

احساس فعال بودن و پرنرژی بودن داشته‌ام.

با احساس سبکی و انرژی از خواب بیدار شده‌ام.

زندگی روزانه‌ام پر از کارها و تجربه‌هایی بوده که به آنها علاقه داشته‌ام.

۳-۴. شاخص مؤسسه پژوهشی گالوپ^۱

نظرسنجی جهانی گالوپ در زمینه بهزیستی که از سال ۲۰۰۵ آغاز شده است، اکنون به یکی از ابزارهای معتبر برای ارزیابی وضعیت بهزیستی در کشورهای مختلف تبدیل شده است. این نظرسنجی در حال حاضر ۱۵۰ کشور را پوشش می‌دهد و در هر کشور، حدود ۱۰۰۰ نفر بالای ۱۵ سال به‌طور رودررو یا تلفنی پرسش‌نامه‌ها را تکمیل می‌کنند. دو بعد اصلی این نظرسنجی عبارت‌اند از: رضایت از زندگی و تجربیات روزانه.

جدول ۶. شاخص بهزیستی ذهنی در مؤسسه گالوپ [۱۵]

نشانه‌گر	بعد
در این مقیاس از فرد خواسته می‌شود یک نردبان ده پله‌ای را تصور کند که در آن شماره صفر نشان دهنده بدترین زندگی ممکن و شماره ۱۰ نشان دهنده بهترین زندگی ممکن است. سپس از فرد خواسته می‌شود بگوید او در کدام پله قرار دارد و همچنین پیش‌بینی کند که در آینده در کدام پله خواهد بود. از پاسخ افراد به این سؤال، سه گروه به دست می‌آید:	رضایت از زندگی (مقیاس خودسنجی)
گروه راضی و پیشرفت‌کننده ^۳ : افرادی که زندگی فعلی خود را ۷ یا بالاتر ارزیابی کرده‌اند و زندگی آینده خود را ۸ یا بالاتر پیش‌بینی می‌کنند، در دسته راضی و پیشرفت‌کننده قرار می‌گیرند.	تلاش‌های کانتریل ^۲
گروه رنج‌برندگان ^۴ : افرادی که زندگی فعلی و آینده خود را ۴ و پایین‌تر ارزیابی می‌کنند، در این دسته قرار می‌گیرند.	
گروه تقلانندگان ^۵ : افرادی که در دو دسته بالا قرار نمی‌گیرند در این گروه هستند.	

1. Gallup
2. Cantril Ladder
3. Thriving
4. Suffering
5. Struggling

جدول ۶. شاخص بهزیستی ذهنی در مؤسسه گالوپ [۱۵]

تجربیات روزانه	در این شاخص، افراد نمره ای از ۰ تا ۱۰ به احساساتی که در طول روز تجربه می کنند می دهند، این تجربیات شامل موارد زیر است: - احساس استراحت کافی - رفتار محترمانه با فرد - لبخند زدن و خندیدن - لذت بردن - درد جسمی - نگرانی - غمگینی - استرس - عصبانیت
----------------	---

از ژانویه ۲۰۰۸، گالوپ به همراه شرکت شیرکر^۱ نظرسنجی های روزانه ای از ۵۰۰ آمریکایی برای سنجش بهزیستی در داخل آمریکا آغاز کرده است. شاخص بهزیستی گالوپ-شیرکر از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۳ شامل ۶ بعد اصلی بود که به شرح زیر هستند:

- * وضعیت زندگی: ارزیابی وضعیت فعلی و پیش بینی آینده زندگی فرد.
- * سلامت عاطفی: ارزیابی احساسات روزانه و وضعیت روانی فرد.
- * محیط کاری: سنجش رضایت شغلی و تعاملات فرد در محل کار.
- * سلامت جسمانی: توانایی فرد در داشتن یک زندگی فعال و سالم.
- * رفتارهای سالم: انجام فعالیت هایی در جهت سلامت جسمانی فرد.
- * برآورده شدن نیازهای روانی در مورد جامعه: ارزیابی احساس امنیت، رضایت و خوش بینی فرد در جامعه.

از سال ۲۰۱۴، این شاخص به پنج بعد تقطیل یافت که شامل بهزیستی شغلی، اجتماعی، مالی، جسمانی و جامعه ای می شود [۱۶].

جدول ۷. بهزیستی ذهنی در مؤسسه گالوپ و شیرکر [۱۷]

بعد	نشانگر
بهزیستی شغلی	لذت بردن از فعالیت ها و وظایف روزمره داشتن انگیزه کافی برای رسیدن به اهداف
بهزیستی اجتماعی	دریافت انرژی مثبت و انگیزه از دوستان و خانواده هر روز وجود فردی در زندگی که اشتیاق به آینده ایجاد کند
بهزیستی مالی	مدیریت زندگی اقتصادی: کاهش استرس و افزایش امنیت مالی
بهزیستی جامعه ای	دوست داشتن مکان زندگی احساس امنیت داشتن افتخار به جامعه خود
بهزیستی جسمانی	داشتن سلامتی داشتن انرژی کافی برای انجام کارهای روزمره

1. Gallup-Sharecare Well-Being Index



۵-۳. شاخص بانک جهانی^۱

بانک جهانی در سنجش بهزیستی ذهنی بیشتر بر سنجش رفاه اقتصادی ذهنی تمرکز دارد. این نهاد از شاخص‌های پولی برای ارزیابی رفاه ذهنی اقتصادی استفاده می‌کند که شامل درآمد فردی، هزینه‌ها و شاخص‌های اقتصادی مرتبط با قدرت خرید افراد در جوامع مختلف است. با استفاده از این داده‌ها، بانک جهانی قادر است که رابطه میان شرایط اقتصادی و احساس رفاه ذهنی را تحلیل کند. این تحلیل‌ها به درک بهتر تأثیر درآمد و شرایط مالی بر رضایت و کیفیت زندگی افراد کمک می‌کند و به سیاستگذاران این امکان را می‌دهد که راهکارهای مؤثری برای بهبود رفاه عمومی و اقتصادی افراد طراحی کنند.

در این راستا، بانک جهانی برای اندازه‌گیری رفاه ذهنی اقتصادی از سؤال پله رفاه یا نردبان اقتصادی^۲ استفاده می‌کند. این سؤال یکی از ابزارهای استاندارد برای سنجش رفاه ذهنی اقتصادی به شمار می‌آید که در مطالعات جهانی به کار می‌رود و امکان مقایسه سطح رفاه در کشورهای مختلف را فراهم می‌آورد. در مجموع هدف از سؤال نردبان اقتصادی، ارزیابی وضعیت اقتصادی فرد از دیدگاه خود اوست. این پرسش بیشتر بر مفهوم محدودتری از رفاه، مانند موقعیت اجتماعی و اقتصادی، تمرکز دارد و به‌طور مستقیم به معیارهایی همچون خوشبختی یا رضایت از زندگی اشاره نمی‌کند. همچنین، تعیین اینکه چه کسی فقیر است و چه کسی نیست، به پاسخ‌دهنده واگذار می‌شود [۱۸]. در بانک جهانی برای سنجش رفاه ذهنی اقتصادی از سؤالاتی مانند ارزیابی درآمد^۳ و ارزیابی حداقل درآمد^۴ استفاده می‌شود. این سؤالات در تحقیقات اقتصادی، به‌ویژه در زمینه رفاه ذهنی، کاربرد دارند و از افراد خواسته می‌شود میزان درآمدی که برای رسیدن به سطح خاصی از رفاه، مانند احساس خوب داشتن در زندگی، لازم هست را مشخص کنند. این اطلاعات به محققان کمک می‌کند تا درک کنند مردم چگونه رفاه خود را براساس درآمدشان ارزیابی می‌کنند و چه رابطه‌ای میان درآمد و احساس رفاه در زندگی وجود دارد و چه مقدار از درآمد برای دستیابی به رضایت و رفاه ذهنی ضروری است [۱۹]. وان پراگ^۵ این مدل را تغییر داد و میزان درآمد مورد نیاز برای قرار گرفتن در هر پله از نردبان را مورد بررسی قرار داده است.

جدول ۸. بهزیستی ذهنی با رویکرد اقتصادی در بانک جهانی [۲۰]

شاخص	سؤال
نردبان اقتصادی اولیه	لطفاً یک نردبان ۹ پله‌ای را تصور کنید که در پایین‌ترین پله، پله اول، فقیرترین افراد ایستاده‌اند و در بالاترین پله، پله نهم، افراد ثروتمند ایستاده‌اند. شما در کدام پله ایستاده‌اید؟
نردبان اقتصادی ون پراگ	تصور کنید یک نردبان شش مرحله‌ای که در پایین‌ترین مرحله، اولین پله، فقیرترین افراد ایستاده‌اند و در بالاترین پله، ششمین پله، ثروتمندترین افراد قرار دارند. چه سطحی از درآمد برای رسیدن به موقعیت خاصی (پله خاصی) در نردبان لازم است؟
ارزیابی درآمد	چقدر درآمد نیاز دارید تا احساس خوبی در زندگی داشته باشید؟ پس از کسر مالیات، چه میزان درآمد را خیلی خوب، خوب، بد و خیلی بد می‌دانید؟
ارزیابی حداقل درآمد	میزان درآمدی که آن را به عنوان حداقل ضروری برای تأمین نیازهای زندگی خود می‌دانید، چقدر است؟

1. World Bank
2. Welfare ladder or Economic Ladder
3. Income Evaluation Question (IEQ)
4. Minimum Income Question (MIQ)
5. Van Praag

۳-۶. شاخص پروژه زندگی در حال گذار^۱

نظرسنجی زندگی در حال گذار توسط بانک بازسازی و توسعه اروپا^۲ و با مشارکت بانک جهانی انجام می شود. این پروژه به ارزیابی استانداردهای زندگی و نگرش ها در کشورهای منطقه اروپا و آسیای مرکزی می پردازد. در این پروژه، برای سنجش بهزیستی ذهنی از دو شاخص رضایت از زندگی و رفاه ذهنی اقتصادی استفاده می شود [۲۱]. اگرچه در این پروژه برای سنجش رفاه اقتصادی ذهنی از سؤال نردبان اقتصادی استفاده می شود، اما به دلیل استفاده از سؤالات بیشتری برای سنجش این مفهوم، سؤال نردبان اقتصادی گسترش یافته است و نسبت به بانک جهانی تکمیل و بسط داده شده است.

جدول ۹. بهزیستی ذهنی در پروژه زندگی در حال گذار [۲۱]

شاخص	سؤال
ارزیابی زندگی	با در نظر گرفتن همه چیز، این روزها چقدر از زندگی خود راضی یا ناراضی هستید؟ (لطفاً پاسخ خود را در مقیاسی از ۱ تا ۱۰ ارائه دهید که در آن ۱ به معنای کاملاً ناراضی و ۱۰ به معنای کاملاً راضی است)
ارزیابی وضعیت اقتصادی	چقدر با این گویه موافقید؟ با در نظر گرفتن همه جوانب، از وضعیت مالی خود رضایت دارم.
	نردبانی ده پله ای را تصور کنید که در پایین ترین پله (پله اول) فقیرترین افراد (۱۰ درصد از مردم کشور) قرار دارند و در بالاترین پله (پله دهم) ثروتمندترین (۱۰ درصد از مردم کشور) افراد ایستاده اند. خانواده شما امروز در کدام پله ایستاده است؟ نردبانی ده پله ای را برای چهار سال پیش تصور کنید. خانواده شما آن زمان در کدام پله قرار داشت؟ خانواده شما چهار سال آینده در کدام پله از نردبان خواهد بود؟

1. Life in Transition Survey (LiTS)
2. European Bank for Reconstruction and Development (EBRD)



۷-۳. شاخص پروژه بودجه خانوار^۱

نظرسنجی بودجه خانوار تحقیقی جامع است که برای جمع‌آوری اطلاعات درباره وضعیت اقتصادی و رفاهی خانوارها طراحی شده است. این نظرسنجی در تمامی کشورهای اتحادیه اروپا انجام می‌شود و از اوایل دهه ۱۹۶۰ در بیشتر کشورهای عضو اتحادیه اروپا اجرا شده است. از سال ۱۹۸۸ به بعد، یوروستات (اداره آمار اتحادیه اروپا) این داده‌ها را هر پنج سال یکبار جمع‌آوری و منتشر کرده است. جدیدترین دوره‌های جمع‌آوری داده‌ها در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۲۰ اجرا شدند. هدف اصلی این نظرسنجی بررسی مصرف خانوارها، اشتغال، تحصیلات، بهداشت و ابعاد مختلف رفاه اجتماعی و اقتصادی افراد است تا شرایط معیشتی و رفاهی مردم تحلیل شود. علاوه بر جنبه‌های اقتصادی، این نظرسنجی به رفاه ذهنی افراد نیز توجه دارد. در این بخش، پرسش‌هایی از سرپرست خانوار و همسر او درباره رضایت از جنبه‌های مختلف زندگی طرح می‌شود. به‌طور کلی، ۱۳ بعد رفاهی ارزیابی می‌شود که نمایانگر کیفیت زندگی فردی و خانوادگی هستند.

جدول ۱۰. بهزیستی ذهنی در نظرسنجی بودجه خانوار اتحادیه اروپا [۲۲]

شاخص	بعد
غذا	رضایت از زندگی
درآمد	
شغل	
سطح تحصیلات	
وضعیت سلامت	
محل سکونت	
دوستان	
خانواده	
آزادی در کنترل زندگی خود	
محله / شهر و جامعه	
توانایی کمک به دیگران	
امنیت	
رضایت از زندگی در کل	

علاوه بر بررسی رضایت از حوزه‌های سیزده‌گانه فوق، در صورت بروز شرایط خاص در جامعه، مانند کشورهای در حال جنگ یا کشورهای درگیر بحران‌های اقتصادی، استراتژی‌های مقابله‌ای در زمینه مصرف غذا نیز مورد پرسش قرار می‌گیرد که شامل موارد زیر است:

- * استفاده از غذاهای کمتر ترجیح داده شده و کم‌هزینه‌تر: خانوارها ممکن است به غذاهایی روی آورند که ارزان‌تر هستند؛ اما از نظر کیفیت یا ترجیح، کمتر مورد پسند قرار دارند.
- * قرض گرفتن غذا یا تکیه بر کمک دیگران: خانوارها ممکن است برای تأمین غذای خود از دیگران قرض بگیرند یا از کمک‌های خارجی (مانند کمک‌های اجتماعی یا خانوادگی) استفاده کنند.

1. Household Budget Survey (HBS)

- * محدود کردن اندازه وعده های غذایی: کاهش مقدار غذا در هر وعده به منظور کاهش هزینه ها و تأمین نیازهای غذایی خانواده.
- * اولویت دادن به تغذیه کودکان: در شرایط محدودیت منابع، ممکن است به کودکان کوچک تر اولویت داده شود تا آنها غذای کافی دریافت کنند.
- * کاهش تعداد وعده های غذایی در روز: تعدادی از خانوارها ممکن است تعداد وعده های غذایی خود را در روز کاهش دهند تا منابع غذایی برای مدت طولانی تری کافی باشد [۲۲].

۸-۳. شاخص کشورهای اروپایی

نظرسنجی اجتماعی اروپا^۱ یک پروژه پژوهشی بین المللی است که از سال ۲۰۰۱ به بررسی نگرش ها، باورها و رفتارهای اجتماعی در ۳۴ کشور اروپایی می پردازد. این مؤسسه در هر دوره، داده هایی را در زمینه های مختلف از جمله رفاه اجتماعی جمع آوری می کند. داده های نظرسنجی اجتماعی اروپا شامل نتایج بیش از ۲۰۰,۰۰۰ مصاحبه است و این داده ها به طور رایگان برای همه افراد قابل دسترسی است. علاوه بر داده ها، تمام مستندات و گزارش های مربوط به این نظرسنجی نیز به صورت رایگان در اختیار عموم قرار دارد. این امر به محققان، سیاستگذاران و سایر افراد امکان می دهد که به راحتی از این منابع استفاده کنند. نتایج این تحقیقات منبعی ارزشمند برای بررسی روندها و تغییرات نگرش های عمومی و رفتارهای اجتماعی در طول زمان به شمار می رود. این نظرسنجی امکان مطالعات تطبیقی بین کشورها را فراهم کرده و به تصمیم گیری آگاهانه در زمینه علوم اجتماعی و سیاست گذاری کمک می کند.

در نظرسنجی اجتماعی اروپا برای بررسی نگرش مردم نسبت به دولت رفاه از سه شاخص اصلی استفاده می شود که عبارت اند از:
۱. نگرش به مسئولیت های دولت رفاه:^۲ این شاخص شامل مجموعه ای از نشانگرهاست که مسئولیت های دولت در تأمین رفاه اجتماعی را ارزیابی می کند.

۲. رضایت از عملکرد دولت رفاه:^۳ این شاخص به ارزیابی کیفیت و اثربخشی خدمات رفاهی می پردازد.

۳. دیدگاه درباره کیفیت دولت:^۴ این شاخص به بررسی کارایی و اثربخشی نهادهای دولتی می پردازد.

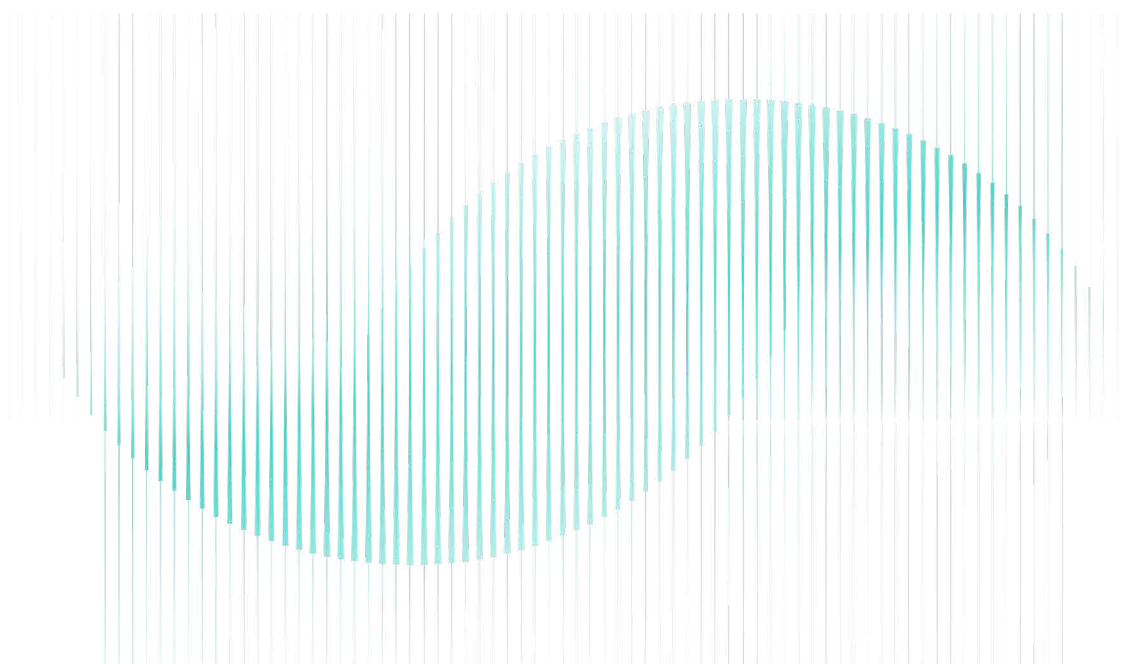
این سه شاخص، در مجموع، تصویری جامع از تعامل مردم با دولت رفاه ارائه می دهند و امکان تحلیل دقیق تری از روندها و تغییرات نگرش های عمومی را فراهم می آورند. جدول زیر نشان دهنده شاخص ها و نشانگرهای مرتبط با هر یک از این ابعاد است که می تواند به طور خاص در مطالعات مقایسه ای و بررسی های تطبیقی میان کشورها و سیاست های رفاهی مختلف مورد استفاده قرار گیرد.

1. European Social Survey (ESS)
2. Attitudes to Government Responsibilities
3. Satisfaction with Government Performance
4. Views about Government Quality

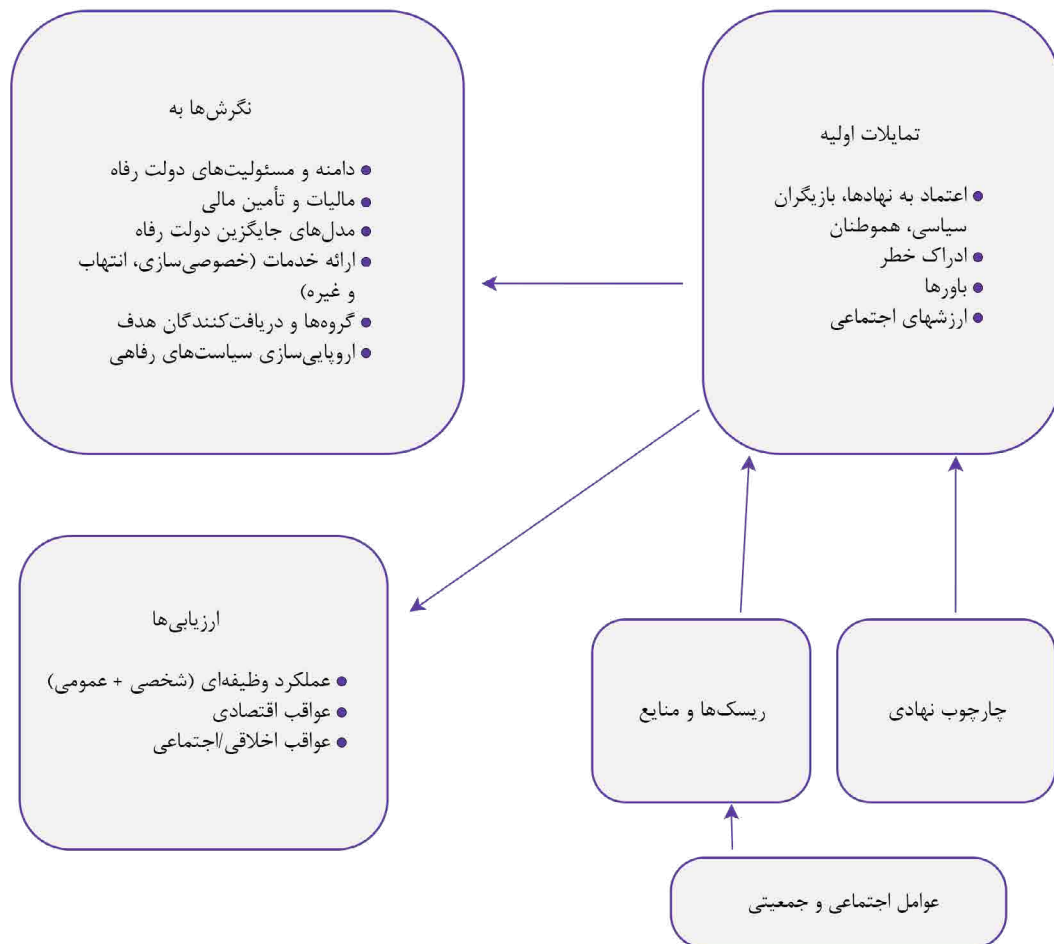
جدول ۱۱. شاخص رفاه ذهنی در نظرسنجی اجتماعی اروپا [۲۳]

ردیف	ابعاد	نشانگر
۱	نگرش به مسئولیت‌های دولت رفاه	تضمین شغل برای همه افرادی که خواهان آن هستند تضمین مراقبت‌های بهداشتی مناسب برای بیماران تضمین سطح معقولی از زندگی برای سالمندان تضمین سطح معقولی از زندگی برای بیکاران تضمین خدمات کافی مراقبت از کودک برای والدین شاغل تأمین مرخصی با حقوق برای افرادی که به طور موقت باید از اعضای خانواده بیمار خود مراقبت کنند
۲	رضایت از عملکرد دولت رفاه	وضعیت خدمات بهداشتی سطح زندگی بازنشستگان فرصت‌های جوانان برای پیدا کردن اولین شغل تمام‌وقت خود
۳	دیدگاه درباره کیفیت دولت	مؤثر و کارآمد بودن ارائه خدمات بهداشتی در [کشور] مؤثر و کارآمد بودن سازمان‌های مالیاتی در انجام کارهایی مثل رسیدگی به درخواست‌ها به موقع، جلوگیری از اشتباهات و پیشگیری از تقلب رفتار یکسان و برابر پزشکان و پرستاران در [کشور] رفتار یکسان و برابر سازمان مالیاتی در [کشور]

نظرسنجی اجتماعی اروپا از یک چارچوب مفهومی برای تحلیل و درک عوامل مختلفی که بر نگرش‌ها و ارزیابی‌های مردم از دولت رفاه اثر می‌گذارد استفاده می‌کند. این مدل با شفاف‌سازی روابط پیچیده میان عوامل مختلف (مانند تمایلات اولیه، نگرش‌ها، ارزیابی‌ها و عوامل زمینه‌ای) به ما این امکان را می‌دهد که بهتر درک کنیم که چرا و چگونه مردم در کشورهای مختلف نسبت به دولت رفاه و سیاست‌های آن واکنش نشان می‌دهند (شکل ۱).



شکل ۱. روابط میان نگرش ها، ارزش ها و عوامل نهادی - اجتماعی در نظام های رفاه اجتماعی در اروپا [۲۳]



به علاوه روسما، گیلیسن و اوورشات^۱ بر اساس پروژه نگرش سنجی اجتماعی سال ۲۰۰۸ کشورهای اروپایی، مدلی نظری ارائه کردند، آنان در این پژوهش وضعیت رفاه ذهنی در بین شهروندان ۲۲ کشور اروپایی را در الگوریتمی فرایندی در چند مرحله سنجیدند که نتایج آن در شکل ۲ ارائه شده است. این مراحل عبارتند از:

۱. **ترکیب رفاه:** این مرحله سرآغاز بازتعریف مفهوم رفاه است، به طوری که در این بازتعریف متولی رفاه تنها دولت نیست، بلکه علاوه بر دولت، بازار، نهادهای مدنی و حتی خانواده به عنوان متولی رفاه تعریف می شوند، از این رو تعبیر دولت رفاه محل مناقشه قرار می گیرد.

1. Femke Roosma & John Gelissen & Wim Van Oorschot

2. Welfare Mix



۲. اهداف:^۱ به نظر پدیدآورندگان این مدل برای دستیابی به دولت رفاه، باید از طریق فرایندهای دموکراتیک و صنعتی شدن در جامعه اقدام کرد. اهداف اصلی دولت در برقراری رفاه به سه گروه تقسیم می‌شود: امنیت اجتماعی، ایجاد برابری (چه در فرصت‌ها و چه در نتایج)، و گسترش شمول اجتماعی. این اهداف، فضای لیبرالی برابری را ترویج می‌کنند؛ به‌طوری‌که بیشتر بر فرصت‌ها یا برابری در نتایج تأکید دارند هدف‌گذاری‌ها در تأمین اجتماعی به‌ویژه به حفاظت از عموم مردم در برابر سخت‌گیری‌های بازار توجه دارند. بنابراین، دولت تنها مجری و متولی اقدامات تأمینی نیست، بلکه نقش فرصت‌ساز برای بازتوزیع منابع و منافع را ایفا می‌کند.

۳. محدوده:^۲ بحثی که در این بعد طرح می‌شود، بیانگر آن است دولت باید تصمیم بگیرد در کدام بخش‌های مختلف جامعه و زندگی مردم، منابع را دوباره توزیع کند تا برابری و عدالت اجتماعی به وجود بیاید. بیشتر نظرسنجی‌ها در همین زمینه‌ها انجام می‌شود. آنها بازتوزیع منابع را در سه بخش اصلی تقسیم کرده‌اند: مزایای اجتماعی، خدمات اجتماعی و نیروی کار فعال. این بخش‌ها شامل مواردی مانند بازنشستگی، کمک در دوران بیکاری، خدمات درمانی، مراقبت‌های بهداشتی، آموزشی و مراقبت از کودک هستند.

۴. درجه:^۳ این بعد به میزان بازتوزیع منابع اشاره دارد، یعنی دولت باید چقدر از منابع خود را در این بخش‌ها توزیع کند. در این زمینه، تصمیم‌گیری درباره مقدار بودجه و منابعی که باید به هر بخش اختصاص یابد، اهمیت زیادی دارد. این تصمیم‌گیری با حداکثرسازی مشروعیت تصمیمات ارتباط دارد و در تجربه رفاه ذهنی به وضوح نمایان می‌شود. از این‌رو، شناخت درجه برخورداری از رفاه ذهنی یکی از ابعاد اصلی تحقیقات نگرش‌های رفاهی است، زیرا بیشتر نظرسنجی‌ها شامل سؤالاتی هستند که به‌طور خاص به این درجه مربوط می‌شوند.

۵. فرایند توزیع: هنگامی که رفاه به عینیت تبدیل می‌شود، در عمل چهار سؤال اصلی مطرح می‌شود: اول اینکه چه کسانی باید از توزیع مجدد منابع بهره‌مند شوند؟ این سؤال به تعیین افرادی اشاره دارد که باید از مزایای مختلف سیاست‌های رفاهی مانند بیمه بیکاری، خدمات بهداشتی یا کمک‌های اجتماعی بهره‌مند شوند. دوم اینکه چه کسانی باید در این فرایند مشارکت کنند؟ سوم، براساس چه دلایلی و شرایطی رفاه باید تحقق یابد؟ این سؤال به بررسی این موضوع می‌پردازد که چه افرادی یا گروه‌هایی باید از طریق مالیات یا سایر منابع، هزینه‌های این سیاست‌ها را تأمین کنند و چه معیارهایی برای میزان مشارکت آنها در نظر گرفته شود. درنهایت، اینکه چه کسانی باید بار این توزیع را متحمل شوند؟ در اینجا به این مسئله پرداخته می‌شود که کدام گروه‌ها باید هزینه‌ها و مسئولیت‌های مربوط به توزیع مجدد منابع را تحمل کنند.

۶. بعد اجرایی: در این بعد به ارزیابی اقدامات انجام شده در تحقق رفاه پرداخته می‌شود، این ارزیابی توسط شهروندان در دو محور زیر صورت می‌گیرد.

(الف) بعد کارایی: در بحث کارایی به سؤالاتی مانند آیا منابع به طور بهینه و بدون هدر رفت مصرف می‌شوند؟ آیا خدمات به موقع و در زمان مناسب به افراد نیازمند ارائه می‌شوند؟ توجه می‌شود.

(ب) بعد کارآمدی: در بحث کارآمدی به دو سؤال آیا خدمات به کسانی که حق دریافت آنها را دارند (ذی‌نفعان مشروع) می‌رسد؟ آیا سوءاستفاده از سیستم به حداقل رسیده است؟ پاسخ داده می‌شود.

۷. بعد نتایج: آخرین بعد درباره مدل رفاهی مربوط پیامدهای به‌جای مانده از حوزه رفاهی است، به‌طوری‌که این پیامدها در دو زیرمجموعه تقسیم می‌شوند: نتایج پیش‌بینی‌شده و نتایج ناخواسته. در زمینه نتایج پیش‌بینی‌شده تمرکز بر دستیابی به برابری، امنیت اجتماعی و فعال‌سازی نیروی کار برای یکایک شهروندان است. نتایج ناخواسته در ارتباط با پیامدهای اقتصادی و اخلاقی ناشی از اجرای این اهداف است. پیامدهای ناخواسته اقتصادی به بحث بار مالی چنین اقداماتی بر بودجه عمومی دولت و پیامدهای آن برای سطوح مالیاتی و تورمزایی اشاره دارد و پیامد اخلاقی به خطرات اخلاقی احتمالی مربوط می‌شود، به‌طوری‌که این خدمات به ذهنیت مردم در اجتناب از مسئولیت خود یا تنبل شدن یا فردگرا شدن بیش‌ازحد بیانجامد [۱۲].

1. Goals

2. Range

3. Degree

شکل ۲. چارچوب مفهومی نظام های رفاه اجتماعی در اروپا [۱۲]



۹-۳. شاخص بهزیستی ذهنی در ایران

در پژوهش های انجام شده در ایران، برای عملیاتی سازی بهزیستی ذهنی (که غالباً به رفاه ذهنی ترجمه می شود)، معمولاً از شاخص هایی که فیتزپتریک طراحی کرده است، استفاده می شود. در سال ۱۳۹۳، سام آرام باتوجه به شاخص های ارائه شده در نظریه فیتزپتریک، پرسش نامه ای برای سنجش بهزیستی ذهنی طراحی کرد. این پرسش نامه در ایران و در تحقیقات دانشجویی به طور وسیعی برای اندازه گیری بهزیستی ذهنی مورد استفاده قرار می گیرد.



جدول ۱۲. ابعاد، شاخص‌ها و نشانگرهای بهزیستی ذهنی در پژوهش سام آرام و همکاران [۲۴]

ابعاد	شاخص‌ها	نشانگرها
نیاز فیزیولوژیک	احساس سلامت	ارزیابی فرد از میزان سلامتی خود مقایسه وضعیت سلامت فرد نسبت به گذشته وجود یا عدم وجود مشکل جسمی و عاطفی در انجام فعالیت‌های روزانه
نیاز روحی و روانی	عزت نفس	احساس باارزش بودن و داشتن نگرش مثبت به خود داشتن ویژگی‌های مثبت و مفید احساس شکست و ناتوانی
رضایت از زندگی	ترجیحات	ارزیابی فرد از میزان دستیابی به اهداف و سلامت میزان تحقق آرزوها و امکان تأمین خواسته‌های مشروع
	استحقاق	ارزیابی فرد از میزان رعایت حق و عدالت در جامعه ارزیابی از میزان برخورداری مردم نسبت به شایستگی‌هایشان دیدگاه فردی نسبت به طبقات فرادست
	مقایسه‌های نسبی	ارزیابی فرد از برخورداری‌های خود در مقایسه با دیگران واکنش احساسی فرد نسبت به طبقات فرادست
	برابری	دیدگاه فرد نسبت به میزان رعایت عدالت دیدگاه فرد نسبت به میزان عمل به قانون
احساسات هیجانی	خوشبختی و شادکامی	میزان احساس خوشبختی و شادکامی احساسات فرد در خصوص توانایی‌ها و روحیات ارزیابی حالت‌های عاطفی فرد نسبت به دیگران
	امید به آینده	میزان امیدواری فرد نسبت به آینده ارزیابی فرد از شرایط و وضعیت فعلی در مقایسه با گذشته
	اعتماد و مقبولیت اجتماعی	ارزیابی میزان اعتماد متقابل فرد با اعضای خانواده و نزدیکان بررسی‌های طرف‌های مشورت در تصمیم‌های مهم زندگی ارزیابی فرد از میزان مقبولیتش در جامعه

۱۰-۳. جمع بندی شاخص ها

در این گزارش، ادبیات نظری و شاخص های جهانی مرتبط با رفاه ذهنی مورد بررسی قرار گرفته است. در این راستا، تعاریف نظریه پردازان برجسته و شاخص های پرتکرار بین المللی معرفی شده اند. در نتیجه این بررسی، دو رویکرد اصلی در سنجش رفاه ذهنی شناسایی شد: رویکرد اروپایی و رویکرد آمریکایی.

رویکرد اروپایی، رفاه ذهنی را با عملکرد، مسئولیت دولت رفاه و کیفیت خدمات عمومی مرتبط می داند. در این رویکرد، تمرکز بر نگرش مردم نسبت به مسئولیت های دولت در تأمین حمایت های اجتماعی، رضایت از عملکرد نهادهای رفاهی و ارزیابی کیفیت ارائه خدمات دولتی است. این رویکرد عموماً در نظرسنجی اجتماعی اروپا استفاده می شود. در مقابل، رویکرد آمریکایی بر جنبه های فردی و ذهنی رفاه تمرکز خود را قرار می دهد و به شاخص هایی مثل رضایت از زندگی و تجربه عواطف مثبت و منفی توجه می کند. در این رویکرد، رفاه ذهنی بیشتر به عنوان ارزیابی فرد از زندگی و میزان رضایت شخصی از جنبه های مختلف زندگی از جمله شغل، درآمد، سلامت و... تلقی می شود. نظریه پرداز دیگری به نام فیتزپتریک نیز شاخص های شادی، ارضای نیازها، ترجیحات، استحقاق و مقایسه های اجتماعی را ارائه داده است؛ باین حال، این مدل کمتر در مؤسسات بین المللی مورد استفاده قرار گرفته است.

در ایران، مهم ترین پژوهش برای سنجش رفاه ذهنی مربوط به تحقیق سام آرام و همکاران (۱۳۹۳) است. این پژوهش با استفاده از نظریه فیتزپتریک و با طراحی پرسش نامه ای بومی، ابعاد رفاه ذهنی را باتوجه به بافت اجتماعی و فرهنگی ایران بازتعریف کرد و شاخص هایی شامل شادکامی، امنیت، ترجیحات، استحقاق، آزادی، مقایسه نسبی و ارضای نیازها را مورد سنجش قرارداد. جدول زیر، مجموعه ای جامع از شاخص های رفاه ذهنی در کشورهای غیراروپایی را ارائه می دهد که براساس مرور مطالعات و شاخص های مورد استفاده در سازمان و تحقیقات بین المللی به دست آمده است. علاوه بر این، ابعاد مطرح شده در پژوهش سام آرام (۱۳۹۳) نیز برای مقایسه و استفاده در بومی سازی در همین جدول آورده شده است. این شاخص ها در ۸ بعد به شرح زیر طبقه بندی شده اند:

* رضایت از زندگی؛

* عواطف و تجربیات روزانه؛

* سعادت مندی؛

* احساس تعلق و امنیت اجتماعی؛

* ارزیابی وضعیت اقتصادی؛

* تصویر ذهنی از خود؛

* اعتماد و مقبولیت اجتماعی؛

* ارزیابی و مقایسه های ذهنی اجتماعی.

این ابعاد نشان می دهند که رفاه ذهنی مفهومی چندبعدی است و سنجش آن محدود به یک جنبه مانند رضایت نیست. براساس این جمع بندی هشت گانه از رفاه ذهنی، شاخص ها هم تجربه های درونی فرد و هم ارزیابی های مقایسه ای و اجتماعی را پوشش می دهند.

جدول ۱۳. جمع بندی از ابعاد و شاخص های رفاه ذهنی

ابعاد		شاخص ها
رضایت از زندگی	رضایت از شغل	رضایت از وضعیت شغلی به طور کلی لذت بردن از فعالیت ها و وظایف روزمره داشتن انگیزه کافی برای رسیدن به اهداف
		رضایت از درآمد
	رضایت از وضعیت سلامت	رضایت از میزان سلامتی



جدول ۱۳. جمع‌بندی از ابعاد و شاخص‌های رفاه ذهنی

ابعاد		شاخص‌ها
		مقایسه وضعیت سلامت نسبت به گذشته وجود یا عدم وجود مشکل جسمی در انجام فعالیت‌های روزانه
		رضایت از وضعیت غذا رضایت از سطح تحصیلات رضایت از محل سکونت رضایت از دوستان رضایت از خانواده رضایت از آزادی در کنترل شهر رضایت از توانایی کمک به دیگران رضایت از وضعیت امنیت رضایت از زندگی فعلی در کل (نردبان ده پله‌ای) رضایت از زندگی آینده در کل (نردبان ده پله‌ای)
عواطف و تجربیات روزانه	عواطف و تجربیات مثبت روزانه	شادی آرامش و راحتی فعال و پرانرژی بودن بیدار شدن با احساس سبکی و انرژی زندگی روزانه پر از فعالیت‌ها و تجربه‌های موردعلاقه احساس استراحت کافی رفتار محترمانه با فرد لیخنزدن و خندیدن دریافت انرژی مثبت و انگیزه از دوستان و خانواده هر روز وجود فردی در زندگی که اشتیاق به آینده ایجاد کند
		خوشبختی میزان احساس خوشبختی و شادکامی احساسات فرد در خصوص توانایی‌ها و روحیات
		امید به آینده میزان امیدواری فرد نسبت به آینده ارزیابی فرد از شرایط و وضعیت فعلی در مقایسه با گذشته

جدول ۱۳. جمع بندی از ابعاد و شاخص های رفاه ذهنی

ابعاد	شاخص ها
عواطف و تجربیات منفی روزانه	درد جسمی نگرانی غمگینی استرس عصبانیت خشم
ارزیابی حالت های عاطفی فرد نسبت به دیگران	
سعادت مندی	زندگی هدفمند و معنادار خودمختاری لیاقت و شایستگی
احساس تعلق و امنیت اجتماعی	دوست داشتن مکان زندگی احساس امنیت داشتن افتخار به جامعه خود
ارزیابی وضعیت اقتصادی	نردبان اقتصادی (فعلی، چهار سال قبل و چهار سال آینده) ارزیابی درآمد ارزیابی حداقل درآمد
تصویر ذهنی مثبت از خود و احساس توانمندی	احساس باارزش بودن و داشتن نگرش مثبت به خود داشتن ویژگی های مثبت و مفید احساس شکست و ناتوانی
اعتماد و مقبولیت اجتماعی	ارزیابی میزان اعتماد متقابل فرد با اعضای خانواده و نزدیکان بررسی های طرف های مشورت در تصمیم های مهم زندگی ارزیابی فرد از میزان مقبولیتش در جامعه

جدول ۱۳. جمع‌بندی از ابعاد و شاخص‌های رفاه ذهنی

ابعاد		شاخص‌ها
ارزیابی و مقایسه‌های ذهنی اجتماعی (ادراک و مقایسه‌های اجتماعی)	ترجیحات	ارزیابی فرد از میزان دستیابی به اهداف و سلامت میزان تحقق آرزوها و امکان تأمین خواسته‌های مشروع
	استحقاق	ارزیابی فرد از میزان رعایت حق و عدالت در جامعه ارزیابی از میزان برخورداری مردم نسبت به شایستگی‌هایشان
	مقایسه‌های نسبی	دیدگاه فردی نسبت به طبقات فرادست ارزیابی فرد از برخورداری‌های خود در مقایسه با دیگران
	برابری	واکنش احساسی فرد نسبت به طبقات فرادست دیدگاه فرد نسبت به میزان رعایت عدالت

مآخذ: نگارنده.

مرور مطالعات بین‌المللی نشان داد که در میان ابعاد هشت‌گانه نامبرده، بعد «رضایت از زندگی» بیشترین کاربرد را داشته و به‌عنوان اصلی‌ترین بعد رفاه ذهنی شناخته می‌شود. این بعد کلیدی، در سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، مؤسسه گالوپ و دو پروژه نظرسنجی معتبر مورد بررسی قرار گرفته است.

پس از آن، بعد «عواطف و احساسات» اهمیت زیادی دارد و در سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، مؤسسه گالوپ و سازمان بهداشت جهانی مورد سنجش قرار گرفته است. همچنین، بعد «ارزیابی وضعیت اقتصادی» بیشترین استفاده را در سنجش رفاه ذهنی در پروژه‌های بانک جهانی و پروژه زندگی در حال گذار دارد. این بعد به نحوه درک فرد از شرایط مالی خود و تأثیر آن بر رفاه ذهنی اشاره دارد و اهمیت آن از این جهت است که حتی افراد دارای وضعیت اقتصادی مطلوب ممکن است احساس رضایت و امنیت مالی نداشته باشند و برعکس، کسانی که از نظر مالی ضعیف‌ترند، در صورت ارزیابی مثبت از شرایط خود، ممکن است سطح بالاتری از رفاه ذهنی را تجربه کنند. این سه بعد از نظر علمی معتبر بوده و در مطالعات مختلف بارها مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ بنابراین هم‌پایه نظری قوی دارند و هم نتایج تجربی آنها قابل اعتماد است. این سه بعد می‌توانند به‌عنوان ابعاد اصلی برای سنجش رفاه ذهنی مورد استفاده قرار گیرند، البته لازم است توجه داشت برای استفاده از آنها در هر جامعه‌ای، باید با توجه مقتضیات آن جامعه باشد.

جدول ۱۴. تکرار و گستردگی ابعاد رفاه ذهنی در سازمان ها و پروژه های بین المللی

ارزیابی وضعیت اقتصادی	سعادت	عواطف	رضایت از زندگی	سازمان ها و پروژه های بین المللی
	●	●	●	سازمان توسعه و همکاری اقتصادی
		●		سازمان بهداشت جهانی
		●	●	مؤسسه گالوپ
●				بانک جهانی
●			●	پروژه زندگی در حال گذار
			●	پروژه بودجه خانوار

مآخذ: همان.

تحقیقاتی که تاکنون در مورد رفاه ذهنی در ایران انجام شده با چند مشکل مواجه هستند: اول اینکه، این تحقیقات به طور همزمان سه بعد اصلی بین المللی رفاه ذهنی را پوشش نمی دهند و اغلب رفاه ذهنی را به صورت تک بعدی بررسی کرده اند و بیشتر بر بعد رضایت از زندگی، کیفیت زندگی یا احساس شادکامی تمرکز داشته اند. دوم اینکه، بسیاری از این پژوهش ها مقطعی و عمدتاً تحقیقاتی دانشجویی هستند. این محدودیت ها باعث می شود که نتایج حاصل، برای تحلیل کلان یا سیاست گذاری اجتماعی قابل تعمیم نباشد. در تحقیق سام آرام و همکاران (۱۳۹۳) برخی مؤلفه ها مانند امکان انتقاد از مسئولان، آزادی رسانه ها و عدالت اقتصادی بیش از حد بر جنبه های سیاسی متمرکز شده اند و کمتر به ابعاد احساسی، تجربی و رضایت فردی در زندگی روزمره توجه شده است. همچنین، بُعد اقتصادی در معنای استاندارد بین المللی رفاه ذهنی به طور کامل پوشش داده نشده و شاخص هایی مانند درآمد یا اشتغال صرفاً به صورت پرسش های محدود ظاهر شده اند.

اما ابعاد بین المللی پرتکرار نامبرده از جمله ابعاد استاندارد هستند که برای مقایسه کشورها و تحلیل روندهای جهانی در زمینه رفاه ذهنی تدوین شده اند. این ابعاد در ایران نیز قابل بررسی اند، زیرا تجربه رضایت، عواطف مثبت و منفی و ارزیابی وضعیت اقتصادی موضوعاتی عمومی اند که در همه جوامع از جمله ایران قابل بررسی اند؛ باین حال، تفاوت های فرهنگی و اجتماعی می تواند بر نحوه درک و تفسیر این ابعاد اثر بگذارند؛ به عنوان مثال، در فرهنگ ایرانی رضایت از زندگی ممکن است بیش از آنکه به موفقیت فردی یا اقتصادی وابسته باشد، می تواند با ارزش هایی مانند دین داری یا روابط خانوادگی معنا یابد.

بنابراین، اگرچه شاخص های بین المللی رفاه ذهنی ابزارهایی معتبر و آزموده شده اند، استفاده مستقیم از آنها در ایران با محدودیت هایی همراه است. لازم است این شاخص ها از نظر فرهنگی بومی سازی شوند. باوجود این ملاحظات، طراحی و به کارگیری شاخص های بومی شده بر پایه همین ابعاد، امکان سنجش مستمر رفاه ذهنی شهروندان را فراهم می کند و می تواند به ابزاری کارآمد برای نهادهای تصمیم گیر و سیاستگذار تبدیل شود. داده های حاصل از این سنجش ها به سیاستگذاران اجازه می دهد وضعیت رفاه ذهنی جامعه را به صورت علمی و مبتنی بر داده بررسی کنند و اصلاحات لازم را در حوزه های رفاه اجتماعی و توزیع منابع طراحی و اجرا کنند. به بیان دیگر، سنجش بومی شده و مداوم این شاخص ها، شرط لازم برای ایفای نقش نظارتی و سیاستگذاری مؤثر در جهت ارتقای رفاه ذهنی ایرانیان است.



۴. نتیجه گیری



بی‌شک، بنیان‌های ساختارهای علوم انسانی دارای پیچیدگی‌هایی با رویکردی فرهنگ‌محور هستند. در نتیجه، متغیرهای مورد بررسی در این حوزه از نظر مبنا، ساختار و حتی کارکرد، تعاریف گوناگونی می‌یابند. از این رو، سازه‌های پژوهشی در علوم انسانی به سادگی و صراحت قابل تعریف نیستند و سنجش و اندازه‌گیری مفاهیم آن کمتر به یافته‌های مشترک و واحد منجر می‌شود. بر این اساس، تعریف و تحدید معانی و مفاهیم در علوم انسانی نه تنها ضروری است، بلکه تعیین خاستگاه‌های فرهنگی آن نیز اهمیتی اساسی دارد؛ بنابراین، درک خاستگاه جریان‌های فکری در علوم انسانی بیش از پیش اهمیت می‌یابد و صاحب‌نظران باید به مبانی علوم انسانی در ایران و تناسب آن با شرایط فرهنگی و اجتماعی توجه ویژه‌ای داشته باشند.

برای مثال، در گذشته‌ای نه چندان دور، مفهوم رفاه معادل با دسترسی به کالاها و امکانات مادی تلقی می‌شد. اما این تعریف با سه چالش اساسی روبه‌رو شد: نخست، توسعه فناوری و ظهور دولت‌های مدرن که نه تنها تحقق وعده رفاه همگانی را با دشواری مواجه کرد، بلکه شکاف‌های توزیع منابع را نیز عمیق‌تر ساخت. دوم، دسترسی به رفاه مادی لزوماً به رفاه ذهنی متعادل منجر نشد. سوم، انتظارات از رفاه در جوامع مختلف یکسان نبوده و نیست. از این رو، شناخت ابعاد گوناگون این موضوع و به‌ویژه مراجعه به ادبیات نظری مرتبط، برای درک روشن‌تر از هدف و محدوده پژوهش در حوزه‌ای همچون رفاه ذهنی، ضرورتی انکارناپذیر دارد.

آنچه در ادبیات علمی مربوط به رفاه ذهنی مشاهده می‌شود، تلاش‌ها و پژوهش‌هایی است که پس از جنگ جهانی دوم و در پی شکست دولت‌های اروپایی در جنگ شکل گرفت. این ادبیات، چند دهه بعد به دو جریان اصلی تقسیم شد. از یک سو، در اروپا، تمرکز بر سنجش انگاره‌های دولت رفاهی و میزان و شدت ارائه خدمات قرار گرفت. در نتیجه، جنبه غالب مفهوم رفاه ذهنی به توزیع عادلانه و متعادل منابع در راستای تحقق اهداف دولت، به‌ویژه در حوزه خدماتی مانند انواع بیمه، معطوف شد.

از سوی دیگر، در جامعه سرمایه‌داری آمریکا، با گرایش‌های پررنگ‌تر لیبرالیسم اقتصادی و اجتماعی و تأکید بیشتر بر فردگرایی، مفهوم رفاه ذهنی حول محورهای روان‌شناختی مانند رضایت از زندگی و ابعاد آن، خوشبختی، شادکامی متمرکز شد. همین دو جریان، در گستره خود، دارای دیدگاه‌های متنوعی هستند. باین حال، مشخص نیست که آیا محاسبه سازه رفاه ذهنی و به‌کارگیری روش‌های آماری در این دو رویکرد به پایایی و اعتباری یکسان منجر می‌شود - امری که برای فرایند اندازه‌گیری از اهمیت اساسی برخوردار است. به همین دلیل، پژوهشگران این حوزه باید از همان ابتدا تکلیف خود را در انتخاب یکی از دو رویکرد - جامعه‌نگرانه (رفاه ذهنی با جهت‌گیری دولت‌محور) یا روان‌شناسی‌نگرانه (رفاه ذهنی با جهت‌گیری رضایت‌مندی فردی) - در سنجش رفاه ذهنی مشخص کنند.

این انتخاب، علاوه بر افزایش سهولت، سرعت و صرفه‌جویی در هزینه‌های پژوهش، موجب ارتقای اعتبار علمی آن و فراهم شدن امکان مقایسه نتایج می‌شود. از این رو، مقایسه داده‌ها و شاخص‌های رفاه ذهنی میان جوامع مختلف، وابسته به تعریف مبنایی این سازه و درک تفاوت‌های اساسی میان جوامع خواهد بود.

بر این اساس، اگر شاخص‌های رفاه ذهنی بر جوامعی با گرایش اجتماعی مبتنی باشد، کلیت رفاه ذهنی در چارچوب خدمات نظام‌های اجتماعی حمایتی، از جمله بیمه‌ها و سیاست‌گذاری‌های مرتبط، تعریف خواهد شد. در این رویکرد، اکثر شاخص‌ها و زیرشاخص‌ها به میزان قدرت حمایت نظام بیمه‌ای در حوزه‌هایی مانند خدمات درمانی، بازنشستگی، بیکاری و سایر حمایت‌های اجتماعی معطوف می‌شود. بدیهی است که در این دیدگاه، عدالت اجتماعی نقش محوری داشته و سنجش آن عمدتاً از طریق پیمایش‌های اجتماعی انجام می‌شود.

در مقابل، در رویکرد روان‌شناختی، کلیت رفاه ذهنی به میزان رضایت‌مندی فرد از زندگی و برخورداری‌های شخصی وابسته است. این رضایت‌مندی به هزینه‌های رفاهی برای داشتن و دستیابی به احساس خوشبختی در زندگی مربوط می‌شود. در این دیدگاه، رفاه ذهنی از طریق ارزیابی گسترده‌تری نسبت به سلامت جسمی و روانی، داشتن شغل، امید به آینده، احساس امنیت و توانمندی فرد سنجیده می‌شود. یکی دیگر از موضوعات مرتبط با رفاه ذهنی، ابعاد و شاخص‌های سنجش آن است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در سطح جهانی، برخی از سازمان‌های معتبر مانند بانک جهانی، این سنجش را با سؤالات کمتری انجام می‌دهند. در مقابل، در ایران، سنجش رفاه ذهنی معمولاً با تعداد زیادی سؤال و البته با ابعاد زیاد، اما به صورت مقطعی و بدون تداوم انجام شده است. این رویکرد می‌تواند به عدم انسجام در داده‌ها و دشواری در مقایسه نتایج منجر شود.

اگرچه ارزیابی دقیق و معتبر رفاه ذهنی مستلزم آن است که در عین بهره گیری از ابعاد پرتکرار در شاخص های بین المللی، نشانگرهای مربوط به هر بعد متناسب با شرایط بومی ایران طراحی شوند؛ با این وجود به نظر می رسد مدل مفهومی رفاه ذهنی مورد استفاده در کشورهای غیر اروپایی، می تواند به عنوان چارچوب مفهومی مناسب تری برای سنجش رفاه ذهنی در ایران انتخاب شود. این مدل به طور مستقیم بر ارزیابی شناختی افراد از زندگی و تجربه عواطف مثبت و منفی تمرکز دارد و از این رو نسبت به شرایط اقتصادی و اجتماعی حساس است و امکان سنجش پیامدهای این شرایط بر ذهنیت و تجربه زیسته افراد را فراهم می کند، بی آنکه سنجش رفاه ذهنی را به طور مستقیم بر عملکرد دولت وابسته سازد.

در مقابل مدل رفاه ذهنی رایج در کشورهای اروپایی عمدتاً بر مفاهیمی مانند عدالت توزیعی، دامنه و شمول خدمات رفاهی و نقش دولت در تأمین رفاه تأکید دارد و برای جوامعی مناسب است که از دولت رفاه تثبیت شده برخوردارند. این رویکردها در بافتی مانند جامعه ایران که فاصله میان سیاست های رسمی و تجربه شهروندان می تواند قابل توجه باشد توان کمتری در بازنمایی تجربه زیسته و احساسات افراد دارند.

بر این اساس، می توان نتیجه گرفت که الگوی رفاه ذهنی در کشورهای اروپایی، با تمرکز بر تجربه فردی چارچوب توضیح دهنده تر و واقع بینانه تری برای سنجش رفاه در جامعه ایران فراهم می کند.

علاوه بر این، پایش و ارزیابی مداوم این مفهوم در طول زمان، به ویژه در پاسخ به تغییرات اجتماعی و اقتصادی، برای اطمینان از به روز بودن و دقت شاخص ها حیاتی است. در این راستا، طراحی ابزاری برای سنجش رفاه ذهنی مبتنی بر این چارچوب که بتواند رفاه ذهنی را در شرایط خاص ایران به طور مؤثر اندازه گیری کند می تواند مبنای مناسبی برای تصمیم گیری های سیاستی و در نهایت بهبود کیفیت زندگی شهروندان فراهم کند.



۵. پیوست (پرسش‌نامه‌ها)



۱-۵. پرسشنامه سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (۲۰۱۱)

ردیف	سؤال	ترجمه
Life evaluation		ارزیابی زندگی
the following question ask how satisfied you feel on a scale from ۰ to ۱۰. zero means you feel not at all satisfied and ۱۰ means you feel completely satisfied.		سؤال زیر می‌پرسد که در مقیاس ۰ تا ۱۰ چقدر احساس رضایت می‌کنید. ۰ به این معنی است که شما اصلاً احساس رضایت نمی‌کنید و ۱۰ به معنای احساس رضایت کامل است.
۱	Overall how satisfied are you with life as a whole these day?	به طور کلی، این روزها چقدر از زندگی خود راضی هستید؟ (۰ تا ۱۰)
۲	satisfied are you with your standard of living?	چقدر از استاندارد زندگی خود راضی هستید؟ (۰ تا ۱۰)
۳	how satisfied are you with your health?	چقدر از سلامتی خود راضی هستید؟ (۰ تا ۱۰)
۴	how satisfied are you with what you are achieving in life?	چقدر از دستاوردهای زندگی‌تان راضی هستید؟ (۰ تا ۱۰)
۵	how satisfied are you with your personal relationships?	چقدر از روابط شخصی خود راضی هستید؟ (۰ تا ۱۰)
۶	how satisfied are you with how safe you feel ?	چقدر احساس امنیت می‌کنید؟
۷	how satisfied are you with feeling part of your community?	چقدر از اینکه بخشی از جامعه خود هستید احساس رضایت می‌کنید؟ (۰ تا ۱۰)
۸	how satisfied are you with your future security?	چقدر نسبت به آینده احساس امنیت می‌کنید؟ (۰ تا ۱۰)
۹	how satisfied are you with the amount of time you have to do the things that you like doing?	چقدر از مدت زمانی که برای انجام کارهایی که دوست دارید می‌گذارید راضی هستید؟ (۰ تا ۱۰)
۱۰	how satisfied are you with the quality of your local environment?	چقدر از وضعیت محیط محلی خود راضی هستید؟ (۰ تا ۱۰)
۱۱	for respondents who are employed only	سؤال زیر فقط از پاسخ‌دهندگان که شاغل هستند پرسیده شود.
۱۲	how satisfied are you with your job?	چقدر از شغل خود راضی هستید؟ (۰ تا ۱۰)

the following question ask how worthwhile you feel the things you do in your life are on a scale from ۰ to ۱۰. zero means you feel the things you do in your life are not at all worthwhile and ۱۰ means completely worthwhile		سؤال زیر می پرسد کارهایی که در زندگی خود انجام می دهید چقدر ارزشمند هستند؟ در مقیاس ۰ تا ۱۰. ۰ به این معنی است که احساس می کنید کارهایی که در زندگی خود انجام می دهید اصلاً ارزشمند نیستند و ۱۰ به معنای کاملاً ارزشمند است.
۱۳	overall to what extent do you feel the things you do in your life are worthwhile	به طور کلی، تا چه حد احساس می کنید کارهایی که در زندگی تان انجام می دهید ارزشمند هستند؟ (۰ تا ۱۰)
the following questions ask about how you felt yesterday on a scale from ۰ to ۱۰. zero means you did not experience the following at all yesterday while ۱۰ means you experienced the feeling all of the time yesterday. I will now read out a list of ways you might have felt yesterday.		سؤالات زیر در مورد اینکه دیروز چه احساسی داشتید، در مقیاس ۰ تا ۱۰ پرسیده می شوند. عدد ۰ به این معنی است که شما دیروز اصلاً این احساسات را تجربه نکردید، درحالی که عدد ۱۰ به این معنی است که شما تمام مدت دیروز این احساسات را تجربه کرده اید. اکنون فهرستی از این احساسات را برای شما می خوانم.
۱۴	How about happy?	در مورد خوشحالی چه طور؟ (۰ تا ۱۰)
۱۵	How about worried?	در مورد نگرانی چه طور؟ (۰ تا ۱۰)
۱۶	How about depressed?	در مورد افسردگی چه طور؟ (۰ تا ۱۰)
Eudaimonia		سعادت
I now want to ask you some questions about how you feel about yourself and your life please use a scale from ۰ to ۱۰ to indicate how you felt. zero means you disagree completely and ۱۰ means you agree completely		اکنون می خواهم از شما سؤالاتی درباره احساساتان درباره خود و زندگی تان بپرسم، لطفاً از مقیاس ۰ تا ۱۰ برای نشان دادن احساس خود استفاده کنید.
۱۷	in general I feel very positive about myself	در کل نسبت به خودم احساس مثبتی دارم. (۰ تا ۱۰)
۱۸	I am always optimistic about my future	من همیشه به آینده ام خوش بین هستم. (۰ تا ۱۰)
۱۹	I am free to decide for myself how to live my life	من در انتخاب نحوه زندگی کردنم احساس آزادی می کنم. (۰ تا ۱۰)
۲۰	I generally feel that what I do in my life is worthwhile	به طور کلی من احساس می کنم کارهایی که در زندگی انجام داده ام ارزشمند هستند. (۰ تا ۱۰)
۲۱	most days I get a sense of accomplishment from what I do	بیشتر روزها از کاری که انجام می دهم احساس موفقیت می کنم. (۰ تا ۱۰)
۲۲	when things go wrong in my life it is generally takes me a long time to get back to normal	وقتی همه چیز در زندگی ام اشتباه می شود، معمولاً مدت زیادی طول می کشد تا به وضعیت عادی بازگردم. (۰ تا ۱۰)



I am now going to read out a list of ways you might have felt during the past week on a scale from ۰ to ۱۰ where ۰ means you felt that way not at all during the past week and ۱۰ means you filled that way all the time yesterday can you please tell me how much of the time yesterday	اکنون می‌خواهم فهرستی از احساساتی را که ممکن است در هفته گذشته احساس کرده‌اید، در مقیاسی از ۰ تا ۱۰ بخوانم، که ۰ به این معنی است که شما در تمام هفته گذشته چنین احساسی داشته‌اید و ۱۰ به این معنی است که دیروز تمام مدت آن را تجربه کرده‌اید حالا لطفاً بگویید چقدر دیروز این احساسات را داشته‌اید؟
۲۳ you had a lot of energy	انرژی زیادی داشتی؟ (۰ تا ۱۰)
۲۴ you felt calm	احساس آرامش کردی؟ (۰ تا ۱۰)
۲۵ you felt lonely	احساس تنهایی کردی؟ (۰ تا ۱۰)

۲-۵. پرسشنامه سازمان بهداشت جهانی (۲۰۲۴)

لطفاً برای هر یک از پنج سؤال زیر مشخص کنید که کدام یک به وضعیت شما در دو هفته گذشته نزدیک‌تر است؟ توجه داشته باشید که اعداد بالاتر به معنای وضعیت بهزیستی بهتر است، به عنوان مثال اگر در طول دو هفته گذشته در بیش از نیمی از زمان‌ها احساس نشاط داشتید و یا روحیه خوبی داشته‌اید، شماره سه را انتخاب کنید.

ردیف	سؤال	ترجمه
۱	I have felt cheerful and in good spirits All of the time. Most of the time. More than half of the time. Less than half of the time. Some of the time At no time	احساس شادابی و سرزندگی داشته‌ام. همیشه (۵)، اکثر اوقات (۴)، بیش از نیمی از زمان‌ها (۳)، کمتر از نیمی از زمان‌ها (۲)، بعضی اوقات (۱)، اصلاً (۰)
۲	I have felt calm and relaxed All of the time. Most of the time. More than half of the time. Less than half of the time. Some of the time At no time	احساس آرامش و راحتی داشته‌ام. همیشه (۵)، اکثر اوقات (۴)، بیش از نیمی از زمان‌ها (۳)، کمتر از نیمی از زمان‌ها (۲)، بعضی اوقات (۱)، اصلاً (۰)
۳	I have felt active and vigorous All of the time. Most of the time. More than half of the time. Less than half of the time. Some of the time At no time	احساس فعال بودن و پرانرژی بودن داشته‌ام. همیشه (۵)، اکثر اوقات (۴)، بیش از نیمی از زمان‌ها (۳)، کمتر از نیمی از زمان‌ها (۲)، بعضی اوقات (۱)، اصلاً (۰)
۴	I woke up feeling fresh and rested All of the time. Most of the time. More than half of the time. Less than half of the time. Some of the time At no time	با احساس سبکی و انرژی از خواب بیدار شده‌ام. همیشه (۵)، اکثر اوقات (۴)، بیش از نیمی از زمان‌ها (۳)، کمتر از نیمی از زمان‌ها (۲)، بعضی اوقات (۱)، اصلاً (۰)
۵	My daily life has been filled with things that interest me All of the time. Most of the time. More than half of the time. Less than half of the time. Some of the time At no time	زندگی روزانه‌ام پر از کارها و تجربه‌هایی بوده که به آنها علاقه داشته‌ام. همیشه (۵)، اکثر اوقات (۴)، بیش از نیمی از زمان‌ها (۳)، کمتر از نیمی از زمان‌ها (۲)، بعضی اوقات (۱)، اصلاً (۰)

۳-۵. پرسشنامه بانک جهانی با جهت گیری رفاه اقتصادی ذهنی (۱۹۹۹)

Please imagine a 9-step ladder where on the bottom, the first step, stand the poorest people, and on the highest step, the ninth, stand the rich. On which step are you today	لطفاً یک نردبان ۹ پله ای را تصور کنید که در پایین ترین پله، پله اول، فقیرترین افراد ایستاده اند و در بالاترین پله، پله نهم، افراد ثروتمند ایستاده اند. شما در کدام پله ایستاده اید؟
"income evaluation question" (IEQ): "what after-tax income do you consider very bad, bad, sufficient, good, very good at no time	پس از حذف مالیات، چه میزان از درآمد را خیلی خوب، خوب، بد و خیلی بد می دانید؟

۴-۵. پرسشنامه پروژه زندگی در حال گذار (۲۰۱۳)

A 5-step scale measures of satisfaction with one's financial situation: All things considered, I am satisfied with my financial situation as a whole (strongly disagree, disagree, neither agree nor disagree, agree, and strongly agree);	در این پروژه، رضایت از وضعیت مالی فرد با استفاده از یک مقیاس پنج درجه ای سنجیده شده است. گزاره مورد استفاده عبارت بود از: با در نظر گرفتن همه جوانب، از وضعیت مالی کلی خود رضایت دارم. گزینه های پاسخ دهی شامل «کاملاً مخالفم»، «مخالفم»، «نه مخالفم و نه موافق»، «موافقم» و «کاملاً موافقم» بودند.
A 10-step life satisfaction measure: All things considered, how satisfied or dissatisfied are you with your life these days? Please answer on a scale from 1 to 10, where 1 means completely dissatisfied, and 10 means completely satisfied;	رضایت از زندگی با استفاده از یک مقیاس ۱۰ درجه ای سنجیده شده است. پرسش مورد استفاده این بود: با در نظر گرفتن همه جوانب، تا چه حد از زندگی خود در این روزها راضی یا ناراضی هستید؟ لطفاً در مقیاسی از ۱ تا ۱۰ پاسخ دهید؛ به طوری که ۱ به معنای کاملاً ناراضی و ۱۰ به معنای کاملاً راضی باشد.
A 10-step relative income ladder: Please imagine a ten-step ladder where on the bottom, the first step, stand the poorest 10% of people in our country, and on the highest step, the tenth, stand the richest 10%. On which step of the ten is your household today?	درآمد نسبی خانوار با استفاده از یک نردبان ۱۰ پله ای سنجیده شد. از پاسخ دهندگان خواسته شد نردبانی ۱۰ پله ای را تصور کنند که در پایین ترین پله (پله اول) ۱۰ درصد فقیرترین افراد کشور و در بالاترین پله (پله دهم) ۱۰ درصد ثروتمندترین افراد کشور قرار دارند. در حال حاضر، خانواده شما در کدام پله از این نردبان قرار دارد؟
Now, imagine a ten-step ladder ۴ years ago. On which step was your household at that time?	اکنون، تصور کنید که نردبانی ۱۰ پله ای مربوط به چهار سال پیش وجود دارد. در آن زمان، خانواده شما در کدام پله از این نردبان قرار داشت؟
And where on the ladder do you believe your household will be ۴ years from now?	و خانوار شما در چهار سال آینده در کجای این نردبان قرار خواهد داشت؟



۵-۵. پرسشنامه پروژه بودجه خانوار (۲۰۲۳)

چقدر از زندگی خود در هریک از زمینه‌ها رضایت دارید؟		
خیلی راضی، نسبتاً راضی، نسبتاً ناراضی، خیلی ناراضی		
very satisfied / fairly satisfied / Not very satisfied / Not at all satisfied		
۱	Food	غذا
۲	Work	کار
۳	Income	درآمد
۴	life	زندگی
۵	Health	سلامتی
۶	Dwelling	مسکن
۷	Education	آموزش
۸	friends	دوستان
۹	family	فامیل
۱۰	freedom in controlling your life,	آزادی در کنترل زندگی خود
۱۱	neighborhood / city / communit	محله / شهر / جامعه
۱۲	ability to help others	توانایی کمک به دیگران
۱۳	security	امنیت

۵-۶. پرسشنامه مؤسسه گالوپ (۲۰۰۵)

شاخص ارزیابی		Evaluation Index
۱	Please imagine a ladder with steps numbered from at the bottom to ۱۰ at the top. The top of the ladder represents the best possible life for you and the bottom of the ladder represents the worst possible life for you. On which step of the ladder would you say you personally feel you stand at this time?	لطفاً یک نردبان را تصور کنید که پله های آن از ۰ در پایین تا ۱۰ در بالا شماره گذاری شده اند. بالای نردبان نشان دهنده بهترین زندگی ممکن برای شماست، و پایین ترین پله نشان دهنده بدترین زندگی ممکن است. در حال حاضر، احساس می کنید بر روی کدام پله از این نردبان ایستاده اید؟
۲	On which step do you think you will stand about five years from now?	حال تصور کنید پنج سال بعد است. فکر می کنید در آن زمان، بر روی کدام پله از این نردبان خواهید ایستاد؟
شاخص سلامت جسمانی		Physical Health Index
۳	Now, please think about yesterday, from the morning until the end of the day. Think about where you were, what you were doing, who you were with and how you felt. Did you feel well – rested yesterday?	لطفاً به دیروز فکر کنید، از صبح تا پایان روز. به این فکر کنید که کجا بودید، چه کارهایی انجام دادید، با چه کسانی بودید و چه احساسی داشتید. آیا دیروز احساس استراحت و آرامش داشتید؟
۴	Were you sick with any of the following yesterday? The flu, a cold, a headache, allergies	آیا دیروز به یکی از موارد زیر دچار بودید؟ آنفولانزا، سرماخوردگی، سردرد، آلرژی
۵	Do you have any health problems that prevent you from doing any of the things people your age normally can do?	آیا شما مشکلات سلامتی دارید که مانع از انجام کارهایی شود که افراد هم سن شما معمولاً قادر به انجام آنها هستند؟
۶	During the past ۳۰ days, for about how many days did poor health keep you from doing your usual activities?	در ۳۰ روز گذشته، تقریباً چند روز به دلیل وضعیت نامناسب سلامتی نتوانستید فعالیت های معمول خود را انجام دهید؟
۷	Have you ever been told by a doctor or nurse that you have any of the following, or not? How about high blood pressure; high cholesterol; diabetes; depression; heart attack; asthma; cancer	آیا تا به حال پزشک یا پرستار به شما گفته است که به یکی از بیماری های زیر مبتلا هستید؟ فشارخون بالا، کلسترول بالا، دیابت، افسردگی، حمله قلبی، آسم، سرطان
۸	In the last ۱۲ months, have you had any of the following, or not? Neck or back condition that caused recurring pain; knee or leg condition that caused recurring pain; other condition that caused recurring pain	در ۱۲ ماه گذشته، آیا به یکی از مشکلات زیر دچار شده اید؟ مشکل گردن یا کمر که باعث درد مکرر شده است. مشکل زانو یا پا که باعث درد مکرر شده است. مشکل دیگری که باعث درد مکرر شده است.
۹	Do you have other health problems or conditions?	آیا شما مشکلات یا شرایط سلامتی دیگری دارید؟
۱۰	How many other health problems do you have?	چند تا مشکل در زمینه سلامتی دارید؟



Emotional Health Index		شاخص سلامتی عاطفی (هیجانی)
۱۲	Now, please think about yesterday, from the morning until the end of the day. Think about where you were, what you were doing, who you were with and how you felt. Were you treated with respect all day yesterday? Did you smile or laugh a lot yesterday? Did you learn or do something interesting yesterday	لطفاً به دیروز فکر کنید، از صبح تا پایان روز. به این فکر کنید که کجا بودید، چه کارهایی انجام دادید، با چه کسانی بودید و چه احساسی داشتید؟ آیا دیروز تمام روز با شما با احترام رفتار شد؟ آیا دیروز زیاد لبخند زدید یا خندیدید؟ آیا دیروز چیزی جالب یاد گرفتید یا کاری جالب انجام دادید؟
۱۳	Did you have enough energy to get things done yesterday??	آیا دیروز انرژی کافی برای انجام کارهایتان داشتید؟
۱۴	Did you experience the following feelings during A LOT OF THE DAY yesterday? How about enjoyment, physical pain, worry, sadness, stress, anger, happiness?	آیا دیروز در بیشتر طول روز، احساسات زیر را تجربه کردید؟ لذت درد جسمی نگرانی غم استرس عصبانیت خوشحالی

Healthy Behavior Index		شاخص رفتارهای سالم
۱۵	Do you smoke?	آیا شما سیگار می‌کشید؟
۱۶	In the last seven days, on how many days did you exercise for ۳۰ minutes or more?	در هفت روز گذشته، در چند روز به مدت ۳۰ دقیقه یا بیشتر ورزش کردید؟
۱۷	Did you eat healthy all day yesterday?	آیا دیروز به طور کلی غذای سالم خوردید؟
۱۸	In the last seven days, on how many days did you have five or more servings of fruit and vegetables?	در هفت روز گذشته، در چند روز پنج وعده یا بیشتر میوه و سبزی مصرف کردید؟

Work Environment Index		شاخص محیط کاری
۲۰	Are you satisfied or dissatisfied with your job or the work you do?	آیا از شغل یا کاری که انجام می‌دهید راضی هستید یا ناراضی؟
۲۱	At work, do you get to use your strengths to do what you do best every day, or not?	آیا در محل کار، این فرصت را دارید که از نقاط قوت خود استفاده کرده و بهترین عملکرد خود را هر روز نشان دهید یا خیر؟
۲۲	Does your supervisor at work treat you more like he or she is your boss or your partner?	آیا مدیر شما در محل کار بیشتر شما را به عنوان رئیس خود می‌بیند یا به عنوان یک شریک؟
۲۳	Does your supervisor always create an environment that is trusting and open, or not?	آیا مدیر شما همیشه محیطی ایجاد می‌کند که مبتنی بر اعتماد و باز بودن باشد یا خیر

Basic Access Index	شاخص دسترسی پایه
Are you satisfied or dissatisfied with the city or area where you live?	آیا از شهر یا محله ای که در آن زندگی می کنید راضی هستید؟
Is the city or area where you live getting better or getting worse as a place to live?	آیا احساس می کنید شرایط زندگی در شهری که در آن زندگی می کنید یا منطقه ای که در آن ساکن هستید، در حال بهبود است یا رو به بدتر شدن است؟
In the city or area where you live, is it easy or not easy to get ... ? Clean and safe water, affordable fresh fruit and vegetables, medicine, a safe place to exercise	در شهری که زندگی می کنید، آیا پیدا کردن موارد زیر راحت است یا سخت؟ آب تمیز و سالم میوه و سبزی های تازه و مقرون به صرفه دارو جای امن برای ورزش کردن
Do you feel safe walking alone at night in the city or area where you live?	آیا در شهری که زندگی می کنید، احساس امنیت می کنید که شب ها به تنهایی پیاده روی کنید؟
Do you have a personal doctor?	آیا یک پزشک شخصی دارید؟
Have you visited a dentist in the last ۱۲ months?	آیا در ۱۲ ماه گذشته به دندانپزشک مراجعه کرده اید؟
Do you have health insurance coverage?	آیا بیمه سلامت دارید؟
Have there been times in the past ۱۲ months when you did not have enough money to buy food that you or your family needed?	آیا در ۱۲ ماه گذشته پیش آمده که پول کافی برای خرید غذا برای خود یا خانواده تان نداشته باشید؟
Have there been times in the past ۱۲ months when you did not have enough money to provide adequate shelter or housing for you and your family?	آیا در ۱۲ ماه گذشته پیش آمده که پول کافی برای تأمین مسکن یا سرپناه مناسب برای خود یا خانواده تان نداشته باشید؟
Have there been times in the past ۱۲ months when you did not have enough money to pay for healthcare and/or medicines that you or your family needed?	آیا در ۱۲ ماه گذشته پیش آمده که پول کافی برای پرداخت هزینه های درمانی و داروهایی که شما یا خانواده تان نیاز داشتید، نداشته باشید؟

۷-۵. پرسشنامه سام آرام و همکاران (۱۳۹۳)

در این پرسش‌نامه از طیف لیکرت برای پاسخ‌دهی به سؤالات و گویه‌ها استفاده شده است.

نشانگر	ابعاد
۱. اگر خواسته باشید وضعیت خود را با پنج سال قبل مقایسه کنید احساس شادکامی و سرزندگی در شما چقدر بهتر شده است؟	شادکامی
۲. شما در زندگی تا چه اندازه احساس آرامش می‌کنید؟	
۳. شما تا چه اندازه از پیشامدها و روندهای زندگی خود راضی هستید؟	
۴. فکر می‌کنید که کارها و فعالیت‌های شما تا چه اندازه نتیجه‌بخش بوده‌اند؟	
۵. شما تا چه اندازه احساس خوبی از زندگی کردن دارید؟	
۶. شما در خودتان تا چه اندازه انرژی و توان برای انجام کارهای نو و جدید می‌بینید؟	
۷. وقتی رویدادهای گذشته خود را مرور می‌کنید، تا چه اندازه احساس شادی و خوشبختی به شما دست می‌دهد؟	
۸. از نظر روحی و روانی تا چه اندازه خود را سر حال و آماده می‌بینید؟	
۹. تا چه اندازه به زندگی خود عشق می‌ورزید؟	
۱۰. در مجموع، فکر می‌کنید تا چه اندازه توانسته‌اید به آن رفاه و خوشبختی که دوست دارید، برسید؟	امنیت
۱۱. تا چه اندازه نسبت به متناسب بودن درآمد و هزینه‌های خانواده خود در آینده خوش بین هستید؟	
۱۲. نسبت به اشتغال خود در آینده چقدر احساس اطمینان و اعتماد دارید؟	
۱۳. نسبت به اشتغال فرزندان (در صورت داشتن فرزند) در آینده چقدر احساس اطمینان دارید؟	
۱۴. تا چه اندازه نسبت به تهیه مسکن برای فرزندان اطمینان دارید؟	
۱۵. به نظر شما مال و اموال مردم در جامعه ما تا چه اندازه در امان است؟	
۱۶. در شرایط فعلی، مردم تا چه اندازه می‌توانند بدون نگرانی در کار و فعالیت اقتصادی سرمایه‌گذاری کنند؟	
۱۷. در حال حاضر تا چه اندازه می‌توانید بدون ترس و نگرانی از مسئولان و مدیران انتقاد کنید؟	

۱۸. برای برطرف کردن نیازهای مادی خود، تا چه اندازه خود را بی نیاز از کمک های دیگران می بینید؟	ترجیحات
۱۹. به چه میزان غذای مورد علاقه ای که دوست دارید، دارا هستید؟	
۲۰. تا چه حدی پوشاک هایی که ترجیح می دهید، می پوشید؟	
۲۱. چنانچه اهل مطالعه هستید تا چه اندازه کتاب های مورد مطالعه تان، کتاب های مورد علاقه شماست؟	
۲۲. چنانچه به تماشای فیلم علاقه دارید، فیلم هایی که مشاهده می کنید، به چه میزان با فیلم های مورد علاقه تان مطابقت دارند؟	
۲۳. چنانچه به موسیقی علاقه دارید، این موسیقی ها که گوش می دهید تا چه اندازه توقعات شما را برآورده می کنند؟	استحقاق
۲۴. باتوجه به سعی و تلاشی که در زندگی دارم آنچه را که انتظار داشته ام به دست آورده ام.	
۲۵. در مقایسه با افراد هم سطح خودم رشد و پیشرفت خوبی در زندگی داشته ام.	
۲۶. آنچه را که حقم بوده به آن رسیده ام.	
۲۷. باتوجه به میزان تحصیلاتم شغل مناسبی را به دست آورده ام یا به دست خواهم آورد.	
۲۸. در مجموع به نظرم امروزه افراد بر اساس لیاقت ها و شایستگی هایشان عهده دار مشاغل شده اند.	آزادی
۲۹. امکان بررسی عملکرد و انتقاد از مسئولین را دارم.	
۳۰. در کشورمان امور به دست مردم اداره می شود.	
۳۱. احساس می کنم که در جامعه، مطبوعات و رسانه ها می توان با آزادی نظرات خود را طرح کرد.	
۳۲. حقوق مالکیت و کسب و کار در ایران رعایت می شود.	
۳۳. تولیدکنندگان کشور ما، در تولید کالاها، به صورت آزادانه عمل می کنند.	
۳۴. مردم در مصرف کالاهایی که دوست دارند، محدودیتی ندارند.	

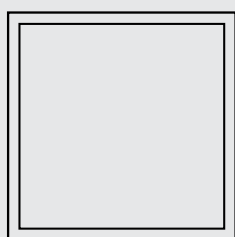
۳۵. اطلاعات خرید و فروش کالا در دسترس همه افراد است.	آزادی
۳۶. در جامعه ما، افراد فرصت‌های مناسبی برای پیشرفت در اختیار دارند.	
۳۷. وضعیت آموزش در کشور ما، افراد را به سمت بروز استعدادها هدایت می‌کند.	
۳۸. وضعیت بهداشتی جامعه ما، افراد را سالم و توانمند می‌کند.	
۳۹. واقعیت این است که مردم و مسئولین به خوبی ریشه مشکلات را می‌دانند.	
۴۰. اخلالگران و مفسدین اقتصادی به راحتی شناسایی می‌شوند.	
۴۱. اقشار آسیب‌پذیر مانند بیکاران و فقرا مورد حمایت قرار می‌گیرند و به امکانات و زمینه‌های پیشرفت دسترسی دارند.	
۴۲. منزلت و موقعیت خانوادگی	مقایسه نسبی (محرومیت نسبی)
۴۳. ثروت و دارایی (خانه، اتومبیل و ...)	
۴۴. میزان تحصیلات خودتان	
۴۵. برخورداری از یک زندگی آرام و راحت	
۴۶. میزان تفریحات	
۴۷. میزان درآمد	
۴۸. وضعیت تغذیه	ارضای نیاز
۴۹. وضعیت پوشاک	
۵۰. وضعیت مسکن	
۵۱. وضعیت اوقات فراغت	
۵۲. وضعیت آسایش خاطر	
۵۳. وضعیت شرایط ازدواج یا اگر متأهل هستید، وضعیت ادامه زندگی زناشویی	
۵۴. وضعیت احترام دوستانتان به شما	
۵۵. وضعیت احترام جامعه به شما	
۵۶. وضعیت اشتغال مناسب	
۵۷. وضعیت آموزش‌های لازم	
۵۸. وضعیت رسیدن به اهدافتان	



- [1] Diener, E., Tay, L., & Oishi, S. (2013). Rising income and the subjective well-being of nations. *Journal of Personality and Social Psychology*, 276-267 ,(2)104. <https://doi.org/10.1037/a0030487>
- [2] Karver, J., & Inchauste, G. (2018). Perceptions of welfare in the European Union: Background to "Growing United: Upgrading Europe's convergence machine" (pp. 33-1). World Bank. <https://openknowledge.worldbank.org/handle/29659/10986>
- [۳] شریفیان ثانی، م و زنجیری، ن. (۱۳۹۱). بهزیستی به عنوان مفهومی چندبعدی: تحلیل مفاهیم و تعاریف. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۹۱-۶۵، (۵۲)۱۴
- [4] Fischer, J. A. V. (2009). Subjective well-being as welfare measure: Concepts and methodology (pp. 9-8 ,6-5). OECD.
- [۵] بارگاهی، ح، سام آرام، ع و کبیری، ن. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر آنومی اجتماعی بر رفاه ذهنی در میان شهروندان جوان شهر تهران. فصلنامه علمی-پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، ۹(۲)، ۴-۲.
- [۶] حبیب پورگتابی، ک. (۱۴۰۱). ارزیابی وضعیت بهزیستی ذهنی در بین جوانان ایرانی. فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، ۲۲(۸۶)، ۵۳-۹.
- [۷] برادران، م و حسین پور، ن. (۱۳۹۱). رابطه سرمایه اجتماعی با رفاه ذهنی کارکنان وزارت رفاه و تأمین اجتماعی. فصلنامه پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۳(۴۹)، ۳۵-۶۵.
- [۸] فیتزتریگ، ت. (۱۳۸۳). نظریه رفاه (هـ. همایون پور، مترجم). تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- [9] Zheng, X., Zhu, W., Zhao, H., & Zhang, C. (2015). Employee well-being in organizations: Theoretical model, scale development, and cross-cultural validation. *Journal of Organizational Behavior*, 644-621, 36.
- [10] Mahoney, J. (2023). OECD papers on well-being and inequalities (Working Paper No. 17). OECD. <https://doi.org/4/10.1787ca48f7c-en>
- [11] OECD. (2013). OECD guidelines on measuring subjective well-being. Organisation for Economic Co-operation and Development. <https://doi.org/-9789264191750/10.1787en>
- [12] Roosma, F., Gelissen, J., & van Oorschot, W. (2013). The multidimensionality of welfare state attitudes: A European cross-national study. *Social Indicators Research*, 255-235 ,(1)113. <https://doi.org/10.1007/s4-0069-012-11205>
- [13] Babbie, E. (2013). The practice of social research (13th ed.). Wadsworth Cengage Learning.
- [14] World Health Organization. (2024). [WHO-UCN-MSD-MHE2024.01-]. <https://www.who.int/publications/m/item/WHO-UCN-MSD-MHE-2024.01>
- [15] Gallup. (2010). Gallup global well-being. <https://news.gallup.com/poll/126965/gallup-global-wellbeing.aspx>
- [16] Gallup. (2014). Gallup-Healthways well-being index: Work. <https://news.gallup.com/poll/128186/gallup-healthways-index-work.aspx>
- [17] Gallup. (2018). How does the Gallup-Healthways Well-Being Index work? Retrieved July, 2025, from <https://news.gallup.com/poll/128186/gallup-healthways-index-work.aspx>
- [18] Ravallion, M. R., & Lokshin, M. (2000). Identifying welfare effects from subjective questions (pp. 42-1). World Bank. <https://www.worldbank.org/en/publication/welfare-effects>



- [19] Ravallion, M., & Lokshin, M. (1999). Subjective economic welfare as conventionally measured: Current household income relative to a poverty line can only partially explain how (pp. 43-1).
- [20] Beegle, K., Himelein, K., & Ravallion, M. (2009). Frame-of-reference bias in subjective welfare regressions (Policy Research Working Paper No. 4904, pp. 33-1). World Bank. <https://openknowledge.worldbank.org/handle/4042/10986>
- [21] Cojocaru, A., & Diagne, M. F. (2013). How reliable and consistent are subjective measures of welfare in Europe and Central Asia? Evidence from the second Life in Transition Survey (Working Paper, pp. 32-1). Life in Transition Survey (LiTS).
- [22] Tandon, S. (2023). Are subjective questions on welfare appropriate during crises? (World Bank Policy Research Working Paper No. 10178, pp. 39-1). World Bank. <http://www.worldbank.org/prwp>
- [23] Svallfors, S. (2012). Welfare attitudes in Europe: Topline results from Round 4 of the European Social Survey. European Social Survey.
- [۲۴] سام‌آرام، ع. و محبوبی، ر. (۱۳۹۳). ساخت مقیاس برای سنجش رفاه اجتماعی با تأکید بر رفاه ذهنی. برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۸، ۱-۳۴.



عنوان: معرفی شاخص‌های جهانی سنجش افکار (۳): شاخص‌های رفاه ذهنی از منظر افکار عمومی

DOI: [10.22034/mrc.report.21651](https://doi.org/10.22034/mrc.report.21651)

Publisher: Islamic Parliament Research Center of Iran

گزیده سیاستی

رفاه ذهنی مکمل شاخص‌های اقتصادی است. پیشنهاد می‌شود با بومی‌سازی شاخص‌های رفاه ذهنی و تمرکز بر ارزیابی شخصی شهروندان از ابعاد گوناگون زندگی، چارچوبی برای پایش مستمر آن و تدوین سیاست‌های کارآمد اجتماعی فراهم شود.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۵۸۵۵-۱۵۸۷۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc@majles.ir